


حجاب، هویت زنانه و هژمونی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در

گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

الهام امین^۱، علی اصغر داودی^۲ *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و شش، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۲

 20.1001.1.1735501.1402.26.99.3.6

چکیده

گسترش وسایل ارتباطی نوین و افزایش آمیختگی اجتماعی ایران با جامعه جهانی، ارتقای دانش زنان و اثرپذیری آنان از مکاتب فمینیستی و فرهنگ سرمایه‌داری در سال‌های اخیر، به نوع جدیدی از هویت‌خواهی زنانه در ایران دامن زده و مقاومت‌هایی را در برابر سیاست‌های فرهنگی دولت و اجرای احکام دینی از جمله حجاب پدید آورده است. به‌رغم اهمیت مواجهه دولت با این پدیده از نقطه‌نظر ثبات سیاسی و اجتماعی، بررسی رویکرد دستگاه‌های حاکمیتی، حکایت از فقدان راهبردی عالمانه دارد. بی‌شک دیدگاه رهبری نظام در تدوین چنین راهبردی، تعیین‌کننده است. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش هستیم که با توجه به هویت‌خواهی‌های نوین زنانه و در راستای حفظ هژمونی انقلاب اسلامی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای چه مواجهه‌ای با پدیده بی‌حجابی مطلوب است؟ این پژوهش، بر اساس روش تحلیل مضامین شبکه‌ای و به‌صورت اسنادی انجام شده است. داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا و به‌صورت کدگذاری سه مرحله‌ای انجام شده و برای تأیید قابلیت اعتماد یافته‌ها نیز از روش همتایی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، گفتمان رهبر انقلاب با شاخص‌های «تبیین فکری و فرهنگی در مدیریت حجاب»، «مراقبت از توطئه دشمن در مساله حجاب»، «نفی انفعال در مقابل هجوم تبلیغاتی غرب»، «لزوم تبیین جایگاه حجاب در تعالی و رشد اجتماعی زنان»، «الگوسازی» و «نهی از منکر بر مبنای مدارا و منطق» یک برساخته معنایی را تولید کرده که با در نظر داشت آن‌ها می‌توان در عین حفظ هژمونی انقلاب، راه برون‌رفتی برای مشکل بی‌حجابی و بدحجابی پیدا کرد.

کلیدواژگان:

حجاب، گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، هژمونی ایدئولوژیک، راهبرد فرهنگی.

^۱ دانشجوی دکتر، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، خراسان رضوی، ایران elhaamaamin@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، خراسان رضوی، ایران. (نویسنده مسئول)

adavoudi@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

۱-۱- مقدمه موضوع

از دید بسیاری از نظریه‌پردازان سیاسی، ایجاد انسجام در بلوک قدرت و اعمال هژمونی ایدئولوژیک از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت‌هاست که به آن‌ها کمک می‌کند تا به سازمان‌دهی و انسجام‌بخشی سیاسی طبقات اجتماعی تحت سلطه خود بپردازند و استمرار حیات و بقای خود را تضمین کنند. در صورت بروز نابسامانی و اختلال در این کارکرد، ثبات و توازن سیاسی و اجتماعی جامعه، بر هم خواهد خورد و به بروز «بحران هژمونی» منجر خواهد شد. (سایمون، ۱۳۹۹ و بشیریه، ۱۳۹۴) دولت‌ها معمولاً برای تحقق هژمونی، نیازمند ابزارهایی هستند که بتواند اقناع و رضایت توده‌ها را در پی داشته باشد که یکی از این ابزارها، ابزارهای فرهنگی و دینی است. در سال‌ها و ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های اسلام‌گرا به رهبری امام خمینی (ره) با تکیه بر همین ابزارها توانستند هژمونی رژیم سابق را به زیر کشند و گفتمان خود را به شکل هژمونیک درآورند.

با استقرار جمهوری اسلامی، ایدئولوژی اسلام‌گرایی مردم‌سالار مبتنی بر نگاه حداکثری به دین و فهم فقاهتی از اسلام، به‌صورت هژمون درآمد و با برجسته‌سازی مدیریت فقاهتی در رأس جامعه، اجرای تام و تمام ظواهر شریعت در دستور کار قرار گرفت. از این‌رو، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از جمله حق پوشش زنان در عرصه عمومی، به چارچوب احکام شرع مقید شد؛ اما اجباری شدن حجاب، با مقاومت بخش‌هایی از جامعه مواجه شد که تا به امروز تداوم‌یافته است. به‌این ترتیب، از ابتدا مسأله حجاب از موضوعات نظری-فقهی و در عین حال، سیاسی-اجتماعی چالش‌زا در جمهوری اسلامی بوده است. (محسنی‌ابوالخیری و حاضری، ۱۳۹۸، ص ۸۴)

در دهه‌های بعد، تغییر ارزش‌های اجتماعی در نتیجه تحول در سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی دولت‌های پس از جنگ، در کنار طرح مباحث نظری متعدد و متنوع درباره حکم حجاب، انعطاف اجتماعی را در مقابل الگوهای سنتی حجاب، افزایش داد و دوگانه تلقی حجاب عرفی در مقابل حجاب شرعی، مطرح شد. با دور شدن از سال‌های آغازین انقلاب و برآمدن نسل‌های جدید، مخالفان اجبار حجاب که قبلاً تحت محدودیت‌های هنجاری، عرصه را برای پیشبرد دیدگاه خود تنگ می‌دیدند، مجال بیشتری یافته و به تدریج، مظاهر بدحجابی را نیز خیزش‌های اجتماعی علیه حجاب اجباری، تبارز بیشتری پیدا کرد.

برآمدن عصر جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌های نوین و شکل‌گیری تدریجی جامعه شبکه‌ای از دهه سوم انقلاب به بعد از یک سو و افزایش تحصیلات دختران و تقویت استقلال اجتماعی و فرهنگی آنان از سوی دیگر، با اثرگذاری بر برخی نگرش‌ها به هویت زن مسلمان،



به هویت‌خواهی‌های نوین زنانه در ایران دامن زده است. قدرت گرفتن شبکه‌های اجتماعی، سبب افزایش تأثیرپذیری از مدهای جهانی و ارائه الگوهای جدید فرهنگی شده است و از سوی دیگر نیز پوشش‌ها و جنبش‌های ضدحجاب اجباری از جمله «چهارشنبه‌های سفید» و «دختر خیابان انقلاب» ماهیت حاکمیتی و امنیتی حجاب را تقویت کرده است. در چنین شرایطی در سال‌های اخیر، ارائه تلقی‌های نو مبتنی بر روایت دگراندیشانه از حجاب نیز بازار خود را پیدا کرده است. (مرندی، ۱۴۰۰، ص ۶۷)

در شهریور سال ۱۴۰۱ حادثه جان باختن دختری جوان در بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی، جرقه تازه‌ای را برای خیزش‌های مخالف با حجاب، روشن کرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی شد. اعتراضاتی که برخی گسل‌های موجود سیاسی را تقویت کرد و سبب شد که شماری از زنان، آشکارا از اجرای قانون حجاب، سر باز زنند. این در حالی است که حجاب به‌عنوان یک حکم شرعی، در قوانین جمهوری اسلامی نیز جایگاه خاصی دارد.

پیمایش‌های انجام‌شده در خصوص حجاب، از جمله پیمایش سازمان ملی جوانان با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان»، نشان از آن دارد که مطالبه عمومی در خصوص حجاب کاهش نیافته، بلکه باور عمومی به نحوه رعایت حجاب و الزام بیرونی در این باره تغییر کرده است. در واقع، بخشی از مردم، ضمن پذیرش حجاب به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دین، رعایت آن را امری فردی و شخصی تلقی می‌کنند و قائل به الزام آن از جانب حکومت نیستند. همین نتایج در پژوهش «آزمون سنجه‌های دین‌داری در ایران» که زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی انجام شد، نیز پشتیبانی می‌شود. (کلهر، ۱۳۹۶، صص ۱۲۳-۱۲۲)

شایان‌ذکر است که حجاب از آن دسته احکام اسلامی است که در بین عالمان دینی دیدگاه واحدی درباره آن وجود ندارد. اگرچه غالب علما بر وجوب شرعی حجاب حکم می‌دهند، اما معدودی از ایشان نیز به استحباب آن قائل‌اند. در میان قائلان به وجوب حجاب نیز دیدگاه‌های مختلفی درباره حدود و الزام به‌اجبار آن مطرح است که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم. با این‌همه، در حکومت اسلامی، نگرش ولی‌فقیه به‌عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی و مذهبی، به لحاظ تأثیر بر تثبیت نشانه‌ها و مفاهیم گفتمان حاکم و سامان‌دهی مؤلفه‌ها و نمادهای هژمونی ایدئولوژیک نظام، اهمیتی قابل‌ملاحظه دارد و می‌تواند با انسجام‌بخشی به رویکرد و راهبرد نظام در این باره، همچون یک نقشه راه، در سمت‌وسوی سیاست‌گذاری‌های نظام، تعیین‌کننده باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تاکنون درباره مسأله حجاب، سخنان متعددی ایراد کرده‌اند. ایشان در شماری از این سخنرانی‌ها به‌طور خاص به موضوع حجاب پرداخته و در برخی دیگر، به تناسب موضوع، به این مسأله اشاراتی کرده‌اند. هدف مقاله پیش‌رو، این است تا



ضمن بررسی نگرش‌های مختلف درباره الزام حکومتی حجاب، دیدگاه‌های رهبر انقلاب درباره نحوه مواجهه نظام سیاسی با این مسأله را تبیین کند. از آنجا که حجاب یکی از پایه‌های هژمونی ایدئولوژیک انقلاب است، پرسش مقاله حاضر، این است که با توجه به شکل‌گیری هویت خواهی‌های نوین زنانه و در راستای حفظ هژمونی انقلاب اسلامی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نحوه مواجهه با پدیده بدحجابی و مدیریت مسأله حجاب چگونه باید باشد؟

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن، اصطلاحی نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در عرف فقها، بیشتر از «ستر» به معنی پوشش، استفاده می‌شد و به قول شهید مطهری، بهتر آن بود که این کلمه عوض نمی‌شد، زیرا معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر به اعتبار پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پرده‌نشینی زن است. (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۷۳) با نگاهی به صدر اسلام درمی‌یابیم که در هجده سال نخست، هیچ آیه‌ای درباره حجاب نازل نشده بود. در اواخر سال پنجم هجرت، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور و سپس آیه ۵۹ سوره احزاب نازل و بدون ذکر مستقیم کلمه حجاب، دستوراتی کلی در خصوص نوع پوشش و ضرورت حفظ پاکدامنی خطاب به مردان و زنان بیان شد. (جاوید و شاه‌مرادی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸) بعدها مسلمان‌ها درباره چندوچون مسأله حجاب، دچار اختلاف نظر شدند. برخی آن را حکمی اخلاقی دانستند، برخی آن را حکمی اجتماعی برای حفظ و صیانت از خانواده برشمردند، عده‌ای از منظر تأمین امنیت در جامعه به آن نگریستند و برخی دیگر آن را ناشی از غیرت مردانه تلقی کردند. (محلّاتی، ۱۳۹۸-۱۳۹۷، ص ۵۷) اما به‌رغم اختلاف نظر یادشده، تقریباً در بین تمام مسلمان‌ها این اجماع وجود دارد که حجاب، امر دینی منطبق بر قرآن و سنت بوده و الزام فردی آن، امری محرز است. (جاوید و شاه‌مرادی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸) در سال‌های متأخر و به دنبال آشنایی مسلمان‌ها با دستاوردهای تمدن غربی، مباحث جدیدی در این حوزه مطرح شد و با رواج روشنفکری دینی و رویکرد نواندیشانه به مباحث فقهی، مناقشاتی در خصوص وجوب پوشش زنان و نیز محدوده شرعی آن در بین فقها و متشرعان در گرفت تا جایی که معدودی از مورخان، فقیهان و قرآن‌پژوهان نواندیش، از عدم حرمت شرعی نپوشاندن موی سر و گردن، سخن راندند.^۱ به لحاظ فقهی، عمده دلایل

۱ - به عنوان نمونه، مطابق بارأی احمد قابل، آنچه از کل آیات قرآن و روایات درباره حجاب، مستفاد می‌شود؛ دلالت بر وجوب ندارد و نمی‌توان استنباط کرد که وظیفه شرعی یک زن متشرعه، پوشاندن موی سر و گردن است. عبدالعلی بازرگان، قرآن‌پژوه معاصر نیز بر این باور است که حجاب در قرآن، لزوماً به معنای پوشاندن



مورد بحث در زمینه مشروعیت اجبار حجاب را می‌توان در مواردی چون اثبات مرتبه عملی نهی از منکر، قاعده عمومی تعزیرات و مباحث ذیل اختیارات ولی فقیه جستجو کرد. بسته به اینکه فقیهی مرتبه عملی نهی از منکر یا ولایت مطلقه فقیه را قبول داشته باشد یا خیر، حکم حجاب نیز متفاوت است. در یک نگاه کلی، بیشتر مراجع معاصر از پیروان مکتب فقهی قم تا نجف، نهی از منکر عملی و به تبع، حجاب اجباری را می‌پذیرند. مکتب قم، ولایت فقیه و تعزیرات را قبول دارد، هرچند برخی علمای مکتب قم شرط می‌کنند در شرایطی که اجرای آن باعث دین‌گریزی شود، باید آن را متوقف کرد. در مجموع، افرادی چون سید کاظم شریعتمداری، یوسف صانعی، سید محمد تقی طباطبایی قمی و سید محمد جواد علوی بروجرودی صریحاً یا ضمناً نهی از منکر عملی را رد کرده‌اند و حجاب اجباری نیز از منظر آنان منتفی است. افرادی چون حسینعلی منتظری، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمد اسحاق فیاض به لحاظ فتوایی، نهی از منکر عملی را می‌پذیرند، اما با توجه به شرایط اجتماعی کنونی، اجرای آن را به مصلحت نمی‌دانند. (دهقانی، ۱۴۰۱)

پوشش زنان همچنین در زمره مسائلی بوده که در جریان تأثیر و تأثرات فرهنگی میان تمدن اسلامی و غرب، مورد توجه تجددگرایان و سنت‌گرایان قرار گرفته است. برخی پژوهشگران بر این باورند که تا پیش از کشف حجاب در دوره مشروطه، نه هیچ زنی در ایران منادی کشف حجاب بوده و نه از دید مسلمانان، حجاب امری سخت برای زنان وصف شده است.^۱ کشف حجاب، ره‌آورد مغرب زمین بود و حامیان آن شیفتگان غرب و اندیشه‌های مدرن بودند. (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۶۶) جدای از صحت و سقم این دیدگاه، دست کم می‌توان گفت تا پیش از مشروطه، موارد کشف حجاب، گسترده نبوده است.

مهم‌ترین دیدگاه‌های مرتبط با وجوب شرعی حجاب و الزام یا عدم الزام حکومتی آن را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد:

الف) سنت‌گرایان

این گروه معتقدند اصل حجاب به‌عنوان وظیفه شرعی، واجب است و باید با وضع قوانین الزام‌آور، از اشاعه بی‌حجابی به‌مثابه امری حرام جلوگیری کرد. (ایازی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱) این گروه خود به دودسته تقسیم می‌شوند:

موی سر و استفاده از روسری و مقنعه نیست، بلکه متضمن پوشش عرفی و پوشاندن اندام‌های در معرض تحریک دیگران به‌وسیله پارچه بوده است.

۱- در این باره باید قره‌العین بایی را که دلیل کشف حجاب او در میان بابیان هم چندان روشن نیست، استثناء کرد.



۱- **سنت‌گرایان افراطی:** این عده به نسبت سایر رویکردها، از سابقه و نفوذ بیشتری در ایران معاصر برخوردارند و با نگرش آثار متعدد به بحث حجاب، پرهیز دادن زنان از آمیختگی با مردان و حضور در عرصه‌های مردانه پرداخته‌اند. این رویکرد با نگاهی عبادی و ایمانی به مقوله حجاب، مطابق رأی‌شماری از فقها چون آیات عظام اشتهازدی، گلپایگانی و خویی، پوشش تمام بدن زن و حتی وجه و کفین را یا واجب دانسته یا قائل به احتیاط در آن شده‌اند. (آبیار و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰)

۲- **نوسنت‌گرایان:** این گروه، قائل به این است که طبق آرای عموم فقها، وجوب پوشانیدن غیر وجه و کفین، قطعی و مسلم است. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵) این رویکرد، پس از انقلاب، با محور اندیشه‌های امام خمینی (ره) حیاتی دوباره یافت. ایشان، زن را مساوی مرد و مانند او در سرنوشت و فعالیت‌های خود، آزاد می‌دانست و هدف حجاب برای زنان را آزادی از فساد و حفظ ارزش‌های زن عنوان می‌کرد. (امام خمینی، جلد ۳۰، ص ۳۷۰) بر این اساس، الزامات حکومت اسلامی، مقتضای اجرای احکام الهی است و حاکم نمی‌تواند به واجبات و محرمات الهی از جمله رعایت حجاب بی‌تفاوت باشد. (ناطق، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳)

ب) نواندیشان

دیدگاه این گروه که بیشتر منطبق بر جریان‌های روشنفکری دینی معاصر و مطابق مقتضیات زمانه و متأثر از اندیشه‌های مدرنیته است، خوانش متفاوتی از مسأله حجاب ارائه می‌کند. قائلان به این دیدگاه به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱- **نواندیشان افراطی:** این عده، اصل وجوب فقهی مسأله حجاب را رد می‌کنند. افرادی چون مجتهد شبستری، با نقد قرائت رسمی از دین و طرح پیش‌فرض «معرفت عصری»، فتاوی فقهی را «مبتنی بر پیش‌فهم‌ها، پیش‌فرض‌ها و انتظارات فقها از احکام دینی» دانسته و «از حجیت دانش فقه به مثابه بیان احکام الهی» عبور کرده‌اند. (مجتهد شبستری، ۱۳۹۹/۸/۲۷) براساس چنین دیدگاهی، بدیهی است که حکمی مانند حجاب، غیرقابل استناد به همه عصرها بوده و مبنای فقهی آن نیز مردود است. عبدالکریم سروش و سروش دباغ نیز با طرح نگرش عرفی و اخلاقی به مسأله حجاب، رویکرد رسمی و فقهی درباره آن را مردود دانسته‌اند. دباغ با اتکا به نظریه «اخلاق و وظایف در نظر اول» دیوید راس و نیز «نظریه حداقل فرمان الهی» استدلال می‌کند که «پوشاندن موی سر و گردن در روزگار کنونی، قبح اخلاقی ندارد و مصداق کنش غیرعقیفانه نیست.» (دباغ، ۱۳۹۶، ص ۳۱)

۲- **نواندیشان معتدل:** این گروه، با عدم رد وجوب اصل حجاب یا حتی قبول کامل آن، حجاب را وظیفه‌ای شخصی می‌دانند که الزام بر آن جایز نبوده و ترک آن، مستوجب کیفر



نیست. مدافعان این رویکرد معتقدند که منطبق بر نگاه قرآن، انسان به وسیله حجاب، روح و فکر خود را پاکیزه نگه می‌دارد. در این دیدگاه، خطاب غیرمستقیم خداوند در دستور حجاب برخلاف خطاب مستقیم در بسیاری احکام شرعی، ارشادی بودن ماهیت حکم حجاب، استثنائات فقهی و تعیین نشدن مجازات دنیوی برای رعایت نکردن حجاب از سوی شارع مقدس، نشان می‌دهد که نگاه قرآن در این مسأله، جنبه فردی دارد و حجاب، امری اجتماعی نیست. (محلّاتی، ۱۳۹۸-۱۳۹۷) در ذیل این نگرش، گروهی می‌گویند که اصل حجاب، واجب و فعالیت تبلیغی برای آگاه کردن مردم نسبت به این وظیفه لازم است، ولی نفس رعایت نکردن حجاب، کیفری را به دنبال نمی‌آورد. تنها در صورتی حجاب، به‌عنوان قانونی اجتماعی، الزام‌آور می‌شود که رفع آن به‌صورت کلی، عفت عمومی را جریحه‌دار کند... به‌طور طبیعی، این بحث مانند دیگر قوانین اجتماعی و حقوقی در سلک قوانین عقلایی درمی‌آید. (ایازی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱)

۲-۲- پیشینه پژوهش

درباره موضوع «عفاف و حجاب» پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که تنها شمار معدودی از آن‌ها به بررسی این موضوع از منظر رهبران انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. در ذیل، به مواردی که به موضوع این مقاله نزدیک‌تر است اشاره می‌شود.

نویسندگان / روش	اهداف یا سوالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
وحدانی‌فر و حسینی (۱۳۹۹) توصیفی، تحلیلی	بررسی دلایل مبارزه غرب بافرهنگ حجاب و فواید و آثار برآمده از حجاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای	آیت‌الله خامنه‌ای حجاب را مسأله‌ای ارزشی، منطبق بر طبیعت انسان، حکمی شرعی و مسأله‌ای ملی و اسلامی دانسته و معتقدند نگاه مادی‌گرایانه غرب و تلاش برای کنترل جوامع و کسب سود از طریق فساد اجتماعی، غرب را به مبارزه باحجاب واداشته است.
محسنی ابوالخیری و حاضری (۱۳۹۸) توصیفی، تحلیلی	بررسی چگونگی و چرایی ایجاد مسأله حجاب در جمهوری اسلامی	مسأله حجاب، معلول قرآنت‌های متفاوت خرده‌گفتمان‌های کلان‌گفتمان اسلام‌گرایی-گفتمان‌های دوره جنگ، سازندگی، اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی- از انگاره حجاب است و هر یک از این خرده‌گفتمان‌ها در تلاش بوده‌اند انگاره خود را از حجاب حاکم سازند.
ناطق (۱۳۹۸) توصیفی، تحلیلی	بررسی مبانی الزام اجرایی حجاب در حکومت اسلامی	مبنای پذیرش الزام در حاکمیت اسلامی، اجرای قوانین الهی است و مقتضای قوانین اسلامی این است که حاکم نسبت به واجبات و محرمات الهی بی‌تفاوت نباشد.



پیامدهای عملی عرفی شدن حجاب، اجرای حکم حجاب از منظر سکولاریزاسیون و تصرف بر حجاب از دریچه عرفی شدن	امامی (۱۳۹۲) توصیفی، تحلیلی	الزام به حجاب از موضع رسمی جمهوری اسلامی، تأکید بر شرایط ویژه خط‌مشی‌گذاری و تصرف در جامعه به‌واسطه موضوعات دینی، نقد اسناد بالادستی مرتبط باحجاب، غفلت از پیامدهای ناخواسته سیاست‌های فرهنگی، احتراز از عرفی شدن دین در سپهر دنیا
آسیب‌شناسی اقدامات معطوف به حجاب و عفاف و ادله سیاسی، اجتماعی و حقوقی حاکم بر مسأله حجاب در جمهوری اسلامی	جاوید و شاه‌مرادی (۱۳۹۶) توصیفی، تحلیلی	حجاب در جمهوری اسلامی به یک تحدی سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و از آنجا که قانون نمی‌تواند مبنای مشروعیت الزام قوه قاهره باشد، نظام سیاسی نیازمند انعطاف مبتنی بر عرف خواهد بود.
بررسی گفتمان مطرح‌شده درباره پوشش در ایران معاصر در مقابل گفتمان ملی و تاریخی	زاهد و کاوه (۱۳۹۱) تحلیل گفتمان	پوشش در جامعه امروز ایران هم تجلی گفتمان دینی و هم متأثر از گفتمان لیبرال است. سیاست‌گذاری فرهنگی پوشش باید ناظر بر قاعده گفتمانی اسلام یعنی «عفت» باشد.
بررسی روند تولید سوژه حجاب و شرایط ورود ایزه‌های پوشش به سامانه حجاب	مرادخانی (۱۳۹۵) تبارشناسی	پس از انقلاب دغدغه دینی برای محجبه کردن زنان به شیوه پیچیده‌ای از گفتمان‌ها، ایزه‌ها، فضاها و ترتیبات راه برده که حاصل آن حکومت‌مند شدن پوشش بوده است.
بررسی موضع حکومت در قبال حجاب و پوشش شهروندان و تحلیل فلسفه حجاب با حجاب اجباری	علی غلامی (۱۳۹۱) توصیفی، تحلیلی	در مفهوم حکومت توحیدی، ورود به حیطه امنیت اخلاقی از تکالیف حکومت بوده و دلیل تردید در این مقوله، مقایسه حکومت اسلامی با حکومت غیردینی است. کوتاهی‌های نهادی متولی حجاب باعث شده تا نیروی انتظامی در عمل به وظایفش مورد تخریب قرار گیرد.
بازخوانی سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی درباره بدحجابی، واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایرانی در حوزه حجاب	کلهر (۱۳۹۶) توصیفی، تحلیلی	پس از انقلاب، تحولات نظام ارزشی، سیاست‌گذاری درباره حجاب را تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه تحولات در نظام ارزشی جامعه، امکان عمل قدرت سیاسی محدود شده و این امر، محدودیت‌های اساسی را پیش‌روی مقدرات نظام سیاسی ایجاد می‌کند.

وجه نوآوری مقاله نسبت به مطالعات پیشین

بررسی‌ها حاکی از آن است که باوجود تبیین دیدگاه‌های مقام رهبری درباره مسأله حجاب در برخی پژوهش‌ها، مقاله پیش‌رو به لحاظ مطالعه دیدگاه‌های ایشان در قالب یک گفتمان در ذیل نگرش‌های فقهی، رویکردهای مختلف گفتمانی و ناظر به تحولات سیاسی، اجتماعی جامعه امروز ایران و از منظر تأثیر مسأله حجاب بر هژمونی ایدئولوژیک انقلاب



اسلامی، نمونه مشابهی ندارد. همچنین، در پژوهش‌های پیشین، اصول کلی موردنظر آیت‌الله خامنه‌ای درباره حجاب مطالعه شده و بررسی راهبردهای مدیریت این مسأله از دیدگاه ایشان مسبق به سابقه نیست. همچنین سایر آثار، عمدتاً به روش توصیفی و تحلیلی انجام پذیرفته است.

۳- روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع کیفی و کاربردی است که به روش تحلیل مضامین شبکه‌ای انجام شده است. داده‌های مربوطه به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. تحلیل مضمون از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی است که با سایر روش‌های تحلیل که به دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی هستند، فرق دارد. در تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و توجه به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها بیشتر می‌شود. همچنین تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی، تمرکز و سپس از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌کند. در تحلیل مضمون، می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آن‌ها و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷) تحلیل مضمون، راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که با آن داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی و بازسازی می‌شوند. (Given, 2008, p867) در این روش، پژوهشگر در پی الگوهای تکراری معنادار است. این روش، در سه سطح، مضامین پایه (نکات کلیدی متن)، سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و فراگیر (مضامین دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) را نظام‌مند و نقشه کل مضمون‌ها را ارائه می‌کند که با توجه به رابطه اعم و اخص در آن شبکه، جایگذاری شده‌اند. آنگاه، مضامین به‌صورت نقشه‌های یک شبکه تارنما، ترسیم و مضمون‌های مهم و روابط آن‌ها در هر یک از سطوح، مشخص و بر وابستگی متقابل میان شبکه تأکید می‌شود. در این تحلیل، از مضامین پایه‌ای به‌سوی مضمون‌های کلی و مضمون‌های اصلی حرکت می‌کنیم. (Attride-Stirling, 2001, p388-389)

برای فهم گفتمان رهبر انقلاب درباره راهبردهای مدیریت حجاب بر اساس روش تحلیل مضامین، با مراجعه به پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، همه سخنرانی‌های ایشان در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۱ با کلیدواژه‌های «حجاب» و «هویت زن» استخراج و طبقه‌بندی شده است (کدگذاری باز). در قدم بعدی، از متن سخنرانی‌های ایشان، بین مقوله‌های انتخاب‌شده، رابطه برقرار و ۴۵ مضمون پایه را شناسایی کرده‌ایم (کدگذاری محوری). پس‌از آن، در مرحله استخراج مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر، با



سازمان دهی دوباره مضمون‌های پایه‌ای و حرکت به سمت اکتشاف مضامین کانونی‌تر، به ۶ مضمون فراگیر که مضامین حاکم بر کل متن به شمار می‌روند، دست یافته‌ایم (کدگذاری انتخابی). سپس مدل تصویری از شبکه مضمون‌های حاکم بر گفتمان رهبری درباره مدیریت حجاب ترسیم شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی مکس کیودا استفاده شده است. همچنین در خصوص اعتبارپذیری، گوبا و لینکن^۱، روایی و پایایی پژوهش‌های کیفی را با چهار معیار اعتبارپذیری^۲ (تا چه حد ساختار و معنای پدیده موردنظر به نحو مطلوب بازنمایی می‌شود)، انتقال‌پذیری^۳ (تا چه حد یافته‌های پژوهش به محیط‌های دیگر، تعمیم‌پذیر است)، قابلیت - اطمینان^۴ (تا چه حد یافته‌های پژوهشگر را سایر افراد بررسی‌کننده تأیید می‌کنند) و تأییدپذیری^۵ ارائه داده‌اند. (محمدپور، ۱۳۹۰) در این پژوهش، برای افزایش قابلیت انتقال پژوهش و کنترل کیفیت نتایج، سعی شده است از روش بررسی همتایی^۶ استفاده شود. به این منظور، یافته‌های این پژوهش برای بازنگری و تدقیق، در اختیار سه پژوهشگر دیگر (تکنیک تثلیث)، قرار داده شد تا از طریق فرایند بررسی همتایی، طبقه‌بندی مفاهیم را کنترل و در خصوص آن‌ها اظهار نظر کنند.

۴- تعریف مفاهیم

پیش از طرح یافته‌های تحقیق، ابتدا درباره برخی مفاهیم کاربردی در عنوان و پرسش مقاله، توضیحاتی را ارائه می‌کنیم.

- هژمونی ایدئولوژیک

گرامشی (۱۹۷۱) نخستین کسی بود که مفهوم هژمونی را به معنای متداول آن در ادبیات اجتماعی نظری، توسعه داد. اگرچه این مفهوم برای دورانی طولانی، خارج از چارچوب موردنظر گرامشی مطرح بود. (Flynn, 2021, p 8) فرض مبنایی تئوری هژمونی گرامشی این است که نمی‌توان با اتکا بر اجبار حاکم شد، بلکه اندیشه نیز مهم است. به عقیده گرامشی، اساس طبقه حاکم، ایجاد جهان‌بینی است. (Thomas R. Bates, 1975, p351) به عقیده گرامشی، طبقه حاکم، ممکن است اجماع بر سر قدرت را از طریق وسایل ایدئولوژیک تأمین کند. از نظر گرامشی، هژمونی یعنی تولید رضایت و اجماع فرهنگی. (راثی تهرانی، ۱۳۸۸،

¹.Guba & Linchon

² -Credibility

³-Transferability

⁴-Dependability

⁵ -Confirmability

⁶-Peer examination



صص ۱۰۵-۱۰۴) هدف تئوری گرامشی این است که گروه مسلط، بتواند دیگر گروه‌ها را اقناع کند تا سلطه اخلاقی، سیاسی و ارزش‌های فرهنگی او را بپذیرند. (Carter & Molisa, 2005, p9) عبارت سلطه اخلاقی، سیاسی و ارزش‌های فرهنگی طبقه حاکم، در پیچه ورود به شناخت مفهوم ایدئولوژی است. ما نه‌ایم در کتاب «ایدئولوژی و یوتوپیا»، ایدئولوژی را «سبک‌های اندیشه» تعریف می‌کند. (راش، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲) به عقیده او، ایدئولوژی کلی، ایده‌های یک گروه تاریخی- اجتماعی معین و عمدتاً ایدئولوژی طبقاتی است که نماینده ساختار اندیشه در یک دوره تاریخی معین است. (Mannheim, 2002, p53-60) ایدئولوژی با اینکه موضوعی چالشی است، ولی دربرگیرنده مجموعه‌ای از باورهای مشترک است که ماهیتاً باهم سازگارند. (ساوینی، ۱۳۹۹، ص ۹۴)

می‌توان گفت میان دو واژه «هژمونی» و «ایدئولوژی»، پیوندی مبنایی برقرار است. هژمونی ایدئولوژیک، «نوعی سلطه نرم و مخملی» و استیلای ساختار ایدئولوژی نخبگان قدرتمند یا شکلی از کنترل ایدئولوژیک جامعه است که می‌تواند به تضمین و حفظ قدرت و مشروعیت طبقه حاکم بیانجامد. (برتس، ۱۳۹۶، ص ۲۶) هژمونی ایدئولوژیک، زمانی تحقق می‌یابد که طبقه حاکم نظام معنایی مطلوب خود را در ذهنیت جامعه، تثبیت کند و بتواند حکومت‌شوندگان را درباره ارزش‌های موردنظر خود اقناع کند؛ به‌نحوی که طبقه تحت استیلا، این هنجارها را -رضایتمندان- مبنای فهم و عمل اجتماعی خود قرار دهد.

- گفتمان

گفتمان عبارت است از چگونگی تولید و سامان گرفتن یک متن - چه کتبی و چه شفاهی - از جانب تولیدکننده و درک آن از جانب مخاطب. برای رسیدن به این سامان (رمزبندی متن) و درک کامل آن از جانب مخاطب (رمزگشایی متن)، شرایطی لازم است که هر دو قطب تولیدکننده و دریافت‌کننده پیام، باید حائز آن باشند تا پیام به نحوی تأثیرگذار، انتقال یابد. گفتمان، مجموعه عناصر لازم و شرایطی است که اگر گرد هم آیند، متن به وجود می‌آید. به سخن دیگر، گفتمان، فرایند و متن، فرآورده آن است. گفتمان، پویا و متن، ایستاست. ساختارهای گفتمانی از نظر فوکو، منظومه ایده‌ها، دیدگاه‌ها، مفاهیم، شیوه‌های اندیشه و رفتار در زمینه اجتماعی خاص است. (خانیک، ۲۵۲، صص ۱۳۸۷-۲۵۱) فوکو گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که به یک شکل‌بندی و ساختار گفتمانی تعلق داشته باشند. (Foucault, 1972, p117) در واقع، گفتمان به مفهوم مجموعه‌ای از قواعد، ضوابط و معانی در قالب نظام ساختارمند معرفتی در یک زمینه زبانی است که بر تمام جوانب حیات اجتماعی، اثر می‌گذارد و بازیگران از طریق آن، جهان را درک و فهم می‌کنند. (داودی، ۱۳۸۹، ص



- برآمدن حجاب در گفتمان انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در چهار دهه گذشته، علی‌رغم فراز و فرودها، همواره نظام جمهوری اسلامی بدان اهتمام داشته، سیاست‌گذاری درباره حجاب بوده است. در واقع، حجاب جزء معدود موضوعاتی است که میزان قابل‌توجهی از اسناد، رویه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات درباره آن تدوین و اجرا شده است. (کلهر، ۱۳۹۶، ص ۱۴) با این حال، بررسی مواضع سال‌های نخست رهبران انقلابی، حاکی از آن است که اجبار به حجاب، به معنایی که امروز ملموس و مستفاد است، مدنظر نبوده است. به‌عنوان نمونه آیت‌الله طالقانی در اسفند ۱۳۵۷ در مصاحبه‌ای با صداوسیما درباره حجاب گفته است: "وقتی در اصل دین، اجبار نیست، نمی‌توان در فرع هم اجبار کرد." (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۰) با همه این‌ها، بعدها موضوع حجاب، وارد حوزه حقوق عمومی و وظایف حاکمیتی شد؛ به‌نحوی که دولت اسلامی، نحوه پوشش مردم را در حیطه وظایف و مسؤولیت‌های خود تعریف کرد. پس از پیروزی انقلاب، تأکید بر حفظ حجاب به جنبه ایجابی انتقاداتی تبدیل شد که کم‌کم داشت به گفتمان دولتی حجاب راه می‌یافت. گویا هدف نظام در وهله نخست، سامان دادن به آن چیزی بود که نارضایتی اسلام‌گرایان را برمی‌انگیخت، ناتمام ماندن انقلاب را در خاطر تداعی می‌کرد و مانع از تحقق انتظاراتی می‌شد که در مورد زن انقلابی مسلمان وجود داشت. نظام سعی داشت تا آنچه را که از سنت‌های دینی حجاب یا شیوه‌های پوشش رایج می‌توانست برگیرد، انتخاب کند و پوشش‌هایی را که مناسب می‌داند به جمعیت اختصاص دهد. (مرادخانی، ۱۳۹۵، صص ۱۷۵-۱۶۹) از سوی دیگر، سرنگونی رژیم پهلوی و رای ۹۸ درصدی به جمهوری اسلامی، شرایطی را ایجاد کرده بود که داشتن حجاب برای زنان تبدیل به یک مطالبه عمومی شده بود. از این‌رو، نوعی فشار اجتماعی و سیاسی بر نظام نوپا برای برخورد با بی‌حجابی وارد می‌شد. در تحقیقی که با عنوان «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» در سال ۱۳۵۸ در شهر تهران انجام شده، این پرسش طرح شده است که «به نظر شما حجاب برای زن لازم است یا خیر؟» در پاسخ به این پرسش ۶۷ درصد مردم به‌ضرورت حجاب اشاره کرده‌اند. علی‌رغم وجود این خواست عمومی، جریان‌های سیاسی اجتماعی دیگری که در جامعه، دارای قدرت سیاسی بوده و طرفدارانی نیز داشتند، از آزادی پوشش و مداخله نکردن حکومت در آن، حمایت می‌کردند. (کلهر، ۱۳۹۶، صص ۲۲-۲۴)

نخستین گام‌ها برای اجباری شدن پوشش اسلامی زنان در اسفند ۱۳۵۷ برداشته شد. در آن زمان، روزنامه اطلاعات، سخنرانی امام خمینی (ره) در مدرسه فیضیه قم را منتشر کرد که در آن گفته بود: "زنان باید باحجاب بیرون بیایند، نه اینکه خودشان را بزک کنند... کار در ادارات ممنوع نیست؛ اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند." (روزنامه اطلاعات،



۱۳۵۷/۱۲/۱۶) تابستان سال ۱۳۵۹، فضای سیاسی کشور در شرایطی قرار داشت که اختلافات سیاسی، رسانه‌ای و نخبگانی در خصوص مسأله حجاب تا حدودی فروکش کرده بود. مهم‌ترین مخالف حجاب رسمی یعنی دولت موقت، از کار کناره گرفته، قانون اساسی به تصویب رسیده و نظام سیاسی استقرار پیدا کرده بود. به این ترتیب، حرفی که امام ۱۶ ماه پیش بیان کرده و کامل اجرا نشده بود، این بار به صورت کامل به اجرا درآمد. امام خمینی (ره) در تیرماه ۱۳۵۹ با انتقاد شدید از تداوم نشانه‌های شاهنشاهی در ادارات دولتی، به دولت بنی‌صدر ده روز فرصت داد تا ادارات را اسلامی کند. از همین رو در ۱۶ تیرماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب، به طور رسمی، ممنوعیت ورود زنان بی‌حجاب به ادارات دولتی را تصویب کرد. (کلهر، ۱۳۹۶، ص ۳۲) زنان در دستگاه‌های اداری، ملزم به پوشیدن مانتو و شلوار و مقنعه‌های بلند و گشاد و کفش‌های ساده شدند. پوشیدن جوراب مشکی و ضخیم، حکم الزامی ناگفته را پیدا کرد و چادر مشکی به نماد اعتقادات مذهبی و وفاداری هر چه بیشتر به نظم سیاسی بدل شد. (مرادخانی، ۱۳۹۵، صص ۱۷۵ - ۱۶۹) وجود یک مطالبه عمومی قدرتمند به همراه ایجاد شرایط مساعد در فضای حاکمیت، باعث شد تا بدون نیاز به تصویب قانون خاص، حضور زنان بی‌حجاب در سطح جامعه نیز به طور غیررسمی ممنوع شود. (کلهر، ۱۳۹۶، ص ۳۳)

افزون بر اراده رهبری، شرایط انقلابی جامعه و همراهی اعتقادی اکثریت، پیش‌آمدن شرایط جنگی نیز که به تقویت بسیج توده‌ای، کاهش تمایزات اجتماعی، لزوم تقویت هویت «خود» در کنار طرد «دیگری» و نیز تغییر اولویت‌های سیاسی و اجتماعی منجر شده بود، منازعات اجبار حجاب را به حاشیه راند و تلقی ایدئولوژیک حکومت از حجاب زنان را به هژمونی تبدیل کرد.

با دور شدن از سال‌های نخست انقلاب، مطالبه برای مبارزه با بی‌حجابی، به تدریج جای خود را به مبارزه با بدحجابی داد. بدحجابی متعلق به همان اقلیتی بود که با اجبار اجتماعی، از فضای شهری بیرون رفته بود. سه سال بعد از الزامی شدن، نسبت به بی‌حجابی جرم‌انگاری شد تا با محدود افرادی که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کردند، برخورد قانونی شود. قوانین مربوطه، زمانی تصویب شد که بی‌حجابان در اقلیت بودند و امکان اجرایی شدن قانون کاملاً فراهم بود. (کلهر، ۱۳۹۶، صص ۴۴-۳۳)

اما در مقایسه با اقبال گسترده عموم زنان به رعایت پوشش در سال‌های اولیه پس از انقلاب، به تدریج در سال‌های پس از جنگ، از میزان این استقبال کاسته شد. (کریمی قهی و خزایی، ۱۳۹۲، ص ۹) در این دوره، با تغییر سیاست‌های اقتصادی کشور و تغییرات ارزشی ناشی از آن، به تدریج بر میزان بدحجابی افزوده و موقعیت این اقلیت در جامعه تقویت شد. مهم‌ترین



پیامد سیاست‌های این دوره، کاهش مطالبه عمومی و نیز میزان ارزشمندی حجاب در سطح جامعه بود. (کلهر، ۱۳۹۶، ص ۶۹)

نتایج یک نظرسنجی که به مقایسه گرایش‌های عمومی مردم در سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱ پرداخته است نشان می‌دهد در این سال‌ها ارزش حجاب و عفاف در اذهان مردم کاهش یافته است. بر اساس این نظرسنجی در سال ۱۳۶۵، ۸۶/۲ پاسخگویان، بی‌توجهی به حجاب را صحیح نمی‌دانستند؛ یعنی زنان از آنجاکه احساس می‌کردند در جامعه، نگاه مثبتی به بدحجابی وجود ندارد و احتمال دارد مورد توهین واقع شوند، حجاب را رعایت می‌کردند. این ارزیابی برای سال ۱۳۷۱ به ۴۱/۵ درصد رسید. همچنین ۸۱/۸ پاسخگویان در سال ۱۳۶۵ به خانم‌های چادری احترام می‌گذاشتند که این رقم در سال ۱۳۷۱ به ۳۶/۸ درصد رسید. این آمار، نشان از کم‌رنگ شدن نقش حجاب در جامعه دارد. (ارحامی، ۱۳۹۰، ص ۳)

این در حالی است که طرح‌های امنیت اجتماعی و اخلاقی علی‌رغم مخالفت‌ها و مقاومت‌ها، با شدت در حال اجرا بود؛ اما با وجود پیامدهای رسانه‌ای حاد و تلاش برای اصلاح شیوه‌های اجرای آن، نه تنها نتوانست مساله بی‌حجابی هنجارشکن را حل کند، بلکه به بازتولید اشکال جدیدی از بدحجابی در جامعه منجر شد. این امر نشان می‌دهد که تشدید مجازات و تسهیل اجرای آن، به‌تنهایی باعث اصلاح رفتار در حوزه عفاف و حجاب نمی‌شود. (ارحامی و کلهر، ۱۳۹۴، صص ۱۵-۶)

به‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت برای ترویج حجاب و مقابله با بدحجابی از بدو انقلاب تا به امروز و ایجاد نهادهایی همچون گشت ثارالله، انصار حزب‌الله، طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی، گشت ارشاد، عفاف و حجاب و ناظر ۱ و ۲ برای احیای امر به معروف و نهی از منکر، این تلاش‌ها باعث نشده است که پویش‌هایی همچون «آزادی‌های یواشکی»، «دختران خیابان انقلاب»، «نه به حجاب اجباری» و «۸ مارس» و اقداماتی همچون استفاده از مانتو جلو باز و شیشه‌ای و عدم رعایت حجاب در خودرو که به‌وفور مشاهده می‌شود، در جامعه رواج نیابد. (مهدی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۸) در این سال‌ها، شکاف عمیقی در نظام سیاسی در خصوص مدیریت حجاب به وجود آمده است. روسای دولت‌های مختلف به‌حسب گرایش‌های سیاسی خود، رویکردهای متفاوتی در این خصوص داشته‌اند و این تشتت، امکان اتخاذ یک سیاست یکدست در درون حاکمیت را منتفی کرده است.

تحقیقات انجام شده در سال‌های متمادی، نشان می‌دهد که تعداد افراد بدحجابی که در فضاهای عمومی شهری تردد می‌کنند، افزایش یافته است. در آخرین پیمایش، درصد ترددکنندگان بدحجاب ۷۱/۸ در برابر ۲۸/۲ بوده است. در چنین وضعیتی، همراهی مردم با طرح‌های مدیریت حجاب مبتنی بر اجبار و کنترل مانند گشت ارشاد کاهش یافته است...



از سوی دیگر، در نتیجه تحولات فناورانه در ابزارهای اطلاع‌رسانی و فناوری‌های ارتباطی، کنترل دولت بر این ابزارها، بسیار کاهش یافته است. با مطالبه نکردن در سطوح نخبگانی و حاکمیتی و تضعیف کنترل دولت بر رسانه‌ها، امکان مقاومت اقلیت فرهنگی در برابر طرح‌های مدیریت حجاب در کشور افزایش یافته است. (کلهر، ۱۳۹۶، صص ۱۵۶-۱۵۳).

ظهور و توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، شرایط امروز جامعه ایران را نسبت به دهه‌های گذشته متفاوت کرده است. فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تمام ابعاد حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اگر بر اساس تئوری گرامشی، رسانه، بخشی از ایدئولوژی حاکم محسوب می‌شود، امروزه رسانه‌ها به واسطه توسعه فناوری‌های ارتباطی نوین، این توان را یافته‌اند که در قالب «کانترهژمونی» ظاهر شوند و ایدئولوژی حاکم را به چالش بکشند. (میناوند، مشکواتی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۱) تحقیقات مختلفی که در سال‌های اخیر در حوزه شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر مساله حجاب انجام شده، ارتباط مستقیم میان افزایش استفاده از این شبکه‌ها را با کاهش گرایش به حجاب در میان دختران و زنان، نشان داده است. به‌عنوان نمونه، رستگار خالد و همکاران در پژوهشی با عنوان «کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره» (۱۳۹۱)، بهرامیان و یاقوتی در تحقیقی با عنوان «رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و پای‌بندی به هویت فرهنگی در شهر تهران» (۱۳۹۵)، احمدپور و رضایی شریف در مقاله «بررسی رابطه باورهای دینی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر التزام به حجاب اسلامی-مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی» (۱۴۰۱)، خوشجویی و همکاران در پژوهش «بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و گرایش دختران دانشگاه بوعلی سینا به حجاب» (۱۳۹۲) و نعمتی‌فر و صفورایی پاریزی در تحقیق خود با عنوان «بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری» (۱۳۹۸) به نتایج مشترکی رسیده و دریافته‌اند که میان استفاده کاربران زن از شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها و نوع پوشش آن‌ها، ارتباط معنا‌داری وجود دارد. بر این اساس، افزایش تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده از شبکه‌های مجازی، کنش دینی نسبت به حجاب را کاهش داده است.

بر این مبنای، در سال‌های اخیر، گروه‌های مخالف حجاب به امکانات تازه‌ای برای مقاومت فرهنگی در برابر طرح‌های مدیریت حجاب، دست‌یافته‌اند که محدودیت‌های جدید و پیچیده‌ای را برای طرح‌های مختلف حجاب در کشور ایجاد کرده است. از سوی دیگر، حجاب شکلی نمادین به خود گرفته و التزام یا عدم التزام به آن، علاوه بر معنای دینی، معنایی سیاسی نیز یافته است. شکاف اجتماعی و قطبی شدن جامعه از پیامدهای اختلاف بر سر



قانون حجاب است. بروز خشونت کلامی و فیزیکی در ارتباط با مسأله حجاب، افزایش پیدا کرده است. نبود راه حل شفاف برای چالش‌های قانون حجاب و افزایش تنش پیرامون آن، از مختصات نامطلوب این مسأله است که می‌تواند فشار اجتماعی بیشتری را به اشخاص محجبه وارد کند. (گروه نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۷)

از این رو، بررسی دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در موقعیت نقطه کاپیتون نظام، درباره مسأله حجاب می‌تواند در سیاست‌گذاری و مدیریت این موضوع در بخش‌های مختلف حاکمیتی نقش اساسی داشته باشد و راه را بر افراط و تفریط سد کند و نقطه پایانی باشد بر اختلافات درون حاکمیت.

۴- یافته‌های تحقیق

- مدیریت مسأله حجاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

همچنان‌که در بخش ادبیات نظری اشاره شد، دیدگاه‌های مرتبط با مسأله حجاب، به دو دسته سنتی و نواندیشانه، تقسیم می‌شود که در حدفاصل دو نگرش سنت‌گرای افراطی و نوگرای افراطی، نوسنت‌گرایان و نواندیشان معتدل مطرح است. گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای درباره مسأله حجاب، به علت اتصال ایشان به مکتب نظری و فقهی امام خمینی (ره)، در دسته نوسنت‌گرایان - که قرائت رسمی و الگوی فرگشت معنایی حجاب در جمهوری اسلامی است - قابل تحلیل است. دیدگاهی که - همان‌طور که گفته شد - حجاب را واجب شرعی مسلم و نه امری صرفاً فردی، بلکه مسأله‌ای اجتماعی می‌داند و الزام به اجرای این حکم الهی را از وظایف حکومت اسلامی برمی‌شمارد. برای تبیین دیدگاه‌های رهبر انقلاب درباره مدیریت حجاب به روش تحلیل مضمون شبکه‌ای، در مرحله نخست، مضامین پایه‌ای به شرح جدول‌های ذیل، از متون سخنرانی ایشان استخراج شده است.

جدول شماره ۱: استخراج مضامین پایه‌ای گفتمان رهبر انقلاب درباره مدیریت مسأله حجاب

ردیف	متن سخنرانی	مضامین پایه‌ای
۱	زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت‌های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه این‌ها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه کارهای دیگر بمانند و مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زن‌های مسلمان ما با وجود سخت‌گیری‌ها، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در دوران بقیه طاغوت هم به نحوی. (۱۳۸۶/۱۰/۱۹)	- حضور در میدان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و علمی با حفظ حجاب، ممکن است. - برداشتن حجاب در جامعه اسلامی برای توقف در مسیر حرکت ملت به سوی پیشرفت بود.



<p>- حضور در میدان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی با حفظ حجاب، ممکن است.</p> <p>-آثار منفی بدحجابی برای جامعه و سیاست و اخلاق، ماندگار است.</p> <p>-برخلاف تبلیغات غرب، حجاب، اسارت زن نیست، بلکه مایه وقار و ارزش و عزت زن است.</p>	<p>یک عده‌ای خیال می‌کنند زن تا وقتی که بی‌حجاب نباشد، بی‌اخلاق نباشد، نمی‌تواند در میدان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی وارد شود. در همین انقلاب خود ما، در بعضی از نقاط کشور، زن‌ها زودتر از مردها اجتماع راه انداختند، در خیابان‌ها حرکت راه انداختند و مقابله کردند... هم برای آنجا (آخرت)، هم برای حفظ عزت کشور و پیشرفت کشور، وضع حجاب راه، وضع عفاف راه، وضع تقیدات و پای‌بندی را خانم‌ها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک‌لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، مخرب و ماندگار است؛ درحالی که ملاحظه عفاف، ملاحظه حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی‌های داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است.</p> <p>حجاب، مایه تشخیص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهرپینانه مادی‌گرایان، مایه اسارت زن نیست. زن با برداشتن حجاب‌های خود، با عریان کردن آن چیزی که خدای متعال و طبیعت، پنهان بودن آن را از او خواسته، خودش را کوچک می‌کند، خودش را کم‌ارزش می‌کند. حجاب وقار است، متانت است، ارزش‌گذاری زن است، سنگین شدن کفه آبرو و احترام اوست. این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مساله حجاب تشکر کرد. (۱۳۹۱/۲/۲۳)</p>	۲
<p>-حجاب، مایه تکریم شخصیت زن و بی‌حجابی، پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است.</p> <p>- در مساله نفی حجاب، غرب باید پاسخگو و بدهکار باشد.</p>	<p>حجاب، تکریم زن است... در اروپا تا دوپست، سیصد سال پیش زن‌های اعیان و اشراف، حجابی روی صورتشان می‌انداختند؛ این، تکریم است. در ایران باستانی، زن‌های اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زن‌های افراد پایین و طبقات پست، بی‌حجاب هم می‌آمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام این تبعیض را گذاشت کنار، گفت زن باید باحجاب باشد؛ یعنی تکریم مال همه زنان است... آن وقت آن‌ها حالا شده‌اند طلبکار، ما شده‌ایم بدهکار! آن‌ها بدهکارند. باید بگویند چرا زن را مثل یک کالا وسیله شهوت‌رانی قرار دادند... آن وقت راجع به زن بحث می‌کنند: شما حجاب را اجباری کردید! خود آن‌ها بی‌حجابی را اجباری می‌کنند، دختر دانشجو را دانشگاه راه نمی‌دهند، به خاطر اینکه روسری دارد، آن وقت می‌گویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است. (۱۳۸۶/۱۰/۱۳)</p>	۳
<p>-حجاب زنان، به‌ویژه زنان فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند تبلیغات گسترده برای مبارزه با حجاب را خنثی کند.</p>	<p>شما ببینید آنان قدر خرج می‌کنند و زحمت می‌کنند، برای این که حجاب را در دنیا از بین ببرند؛ کشورهایی که خودشان را مهد آزادی هم می‌دانند، می‌بینید که چه می‌کنند برای مبارزه با حجاب. حالا همه آن تشکیلاتی که با حجاب مبارزه می‌کنند یک‌طرف، این خواهر ورزشکار مؤمن و دختر جوان ما که با حجاب اسلامی و لباس محجّبه یا با چادر یا با آن شکل زیبایی ارزشی، جلو دوربین‌های دنیا ظاهر می‌شود و نشان می‌دهد که به این ارزش پای‌بند است و این صحنه در همه دنیا منعکس می‌شود، این یک طرف دیگر؛ او در واقع با این کار، همه آن تبلیغات را خنثی می‌کند. (۱۳۸۳/۷/۱۴)</p>	۴
<p>-کار تبلیغاتی در ترویج حجاب باید مبتنی بر تحقیق و تفکر باشد.</p> <p>-آشنایی با مفهوم و فلسفه حجاب، سبب حجاب‌گریزی می‌شود.</p> <p>-بهترین راه ترویج حجاب، برخورد مبتنی بر استدلال و منطق است.</p>	<p>شما با تبلیغات کار کنید؛ یعنی همان حربهای را که افراد موردنظر شما برای سست کردن اعتقاد به حجاب به کار می‌برند، شما هم به کار ببرید؛ یعنی شما درباره حجاب بنشینید واقعاً تحقیق کنید، فکر کنید، از لحاظ دینی هم مثلاً درباره‌اش بحث کنید. از لحاظ اجتماعی هم روی همین مساله کیفیت حجاب تکیه کنید؛ به ترویج دیدگاه خودتان بپردازید؛ این دغدغه را هم که این‌ها می‌آیند تمایل به حجاب را در دل مردم از بین می‌برند، نداشته باشید؛ حجاب از بین نمی‌رود.</p> <p>حجاب، ارزشی است منطبق با طبیعت انسان. برهنگی و حرکت به سمت اختلاط هرچه بیشتر دو جنس با یکدیگر و افشا شدن این‌ها در مقابل یکدیگر، یک حرکت خلاف طبیعی و خلاف خواست انسانی است. البته ممکن است کسانی بی‌خبر و بی‌اطلاع باشند؛ بایستی این‌ها را با حجاب آشنا کرد. من در مهر و موم‌های اول انقلاب به‌وضوح دریافتم که بعضی از زنان که محجّبه هستند ولی خیلی قدر حجاب را نمی‌دانند، این‌ها اصلاً از حکم حجاب و فلسفه حجاب و فواید حجاب اطلاعی ندارند.</p>	۵



	<p>در محیط دانشگاه خودتان، در نشریات خودتان، با نشریات یا دیگر نشریات رایج صحبت کنید، چیزهایی بنویسید، پخش کنید، در جامعه فکر را بپراکنید؛ منتها با استدلال، با منطق. بهترین راه تأمین حجاب هم همین است که با منطق برخورد شود. البته اگر چیزی جزو مقررات شد و کسی برخلاف آن مقررات رفتار کرد، ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که دولت برخورد کند؛ در عین حال آن چیزی که در اساس مهم‌تر از همه است، این است که شما ذهن این دختر جوان یا این زن جوان را با اهمیت حجاب آشنا کنید. در ذهن او استدلال صحیح را در مورد رعایت حجاب راسخ کنید. (۱۳۷۷/۱۲/۴)</p>	
<p>-حجاب وسیله مصونیت است، نه محدودیت. -حجاب، مانع حضور زن در عرصه‌های اجتماعی نیست. -حکومت اسلامی مکلف است از حرام‌های آشکار در جامعه جلوگیری کند و مقابل گناه در عرصه عمومی بایستد. -دشمنان با صرف هزینه‌های هنگفت و فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده برای اثرگذاری بر هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان و برداشتن حجاب زنان تلاش می‌کنند.</p>	<p>اسلام به‌وسیله حجاب، در را بر روی آن مسیری که جنس زن را به نقطه انحراف برساند بسته. حجاب اسلامی وسیله مصونیت زن است؛ حجاب وسیله محدودیت زن نیست. امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام و به دنیا صادر می‌کنند؛ یعنی دنیا سخن جدیدی دارد می‌شنود. زن می‌تواند در میدان‌های اجتماعی حضور فعال داشته باشد، تأثیرگذاری اجتماعی عمیق داشته باشد. امروز زنان کشور ما در بخش‌های مختلف، چنین تأثیرگذاری‌ای دارند. آنچه بنده را حساس می‌کند، این است که ناگهان از دهان یک گروهی از افراد که جزء خواص محسوب می‌شوند، مساله «حجاب اجباری» مطرح می‌شود؛ معنایش این است که یک عده‌ای نادانسته -حالا من می‌گویم نادانسته؛ ان‌شاءالله نادانسته است- همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن با آن همه خرج نتوانسته است آن خط را در کشور به نتیجه برساند... آن کاری که در ملاء انجام می‌گیرد، در خیابان انجام می‌گیرد، یک کار عمومی است، یک کار اجتماعی است، یک تعلیم عمومی است؛ این اخطا، برای حکومتی که به نام اسلام بر سر کار آمده است تکلیف ایجاد می‌کند. آنچه حرام شرعی است ناپیوستی به‌صورت آشکار در کشور انجام بگیرد. حکومت اسلامی موظف است در مقابل حرام بایستد. پول‌های زیادی خرج می‌کنند، فعالیت می‌کنند، صدها رسانه را به کار می‌گیرند تا بتوانند روی نقطه هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان، اثرگذاری کنند؛ دشمنان ما واقعاً خودشان را در خارج از کشور می‌کشند... حالا چقدر پول خرج می‌شود برای اینکه بتوانند این تلویزیون‌ها و این رادیوها و این فضای مجازی و سایت‌های اینترنتی را به کار ببندازند که چه بشود؟ که نتیجه‌اش بالاخره این بشود که مثلاً فرض کنید چهار دختر فریب بخورند و در خیابان حجابشان را بردارند. (۱۳۹۶/۱۲/۱۷)</p>	۶
<p>-حجاب، مانع پیشرفت زنان نیست.</p>	<p>در چنین دنیایی یک خانمی با چادر یا یک حجاب کامل اسلامی روی آن سگو می‌ایستد و جایزه قهرمانی می‌گیرد؛ این خیلی مهم است. از آن پرچم که می‌رود بالا مهم‌تر است؛ این نشان‌دهنده روحیه قوی ایرانی مسلمان است. (۱۳۹۴/۱۰/۲۱)</p>	۷
<p>-نگاه اسلام به زن، نقطه مقابل نگاه فرهنگ غرب است. -بی‌بندوباری و روابط آزاد در غرب، مانع کاهش امیال شهوانی نشده است. -نگاه اسلام به هویت زن، نگاهی عزت‌بخش، رشدآفرین و استقلال‌دهنده است.</p>	<p>یک مطلب اساسی، در مورد نگاه اسلام به جنس زن است. این نگاه، درست نقطه مقابل نگاه فرهنگ غربی به جنس زن است. نگاه فرهنگ غربی به زن، یک نگاه اهانت‌آمیز است. اسم آن را آزادی می‌گذارند، نام آزادی بر جهت‌گیری فرهنگ غربی نسبت به زنان، یک نام دروغین است... اساس فرهنگ غرب این است که زن را به‌عنوان یک کالا، به‌عنوان یک وسیله تمتع برای مرد عرضه بکنند... آزادی جنسی و بی‌بندوباری جنسی در غرب، موجب نشده است که دیگ شهوت بشری که غریزی و طبیعی است، از جوشش بیفتد. قبلاً این جور تبلیغ می‌کردند، می‌گفتند بگذارید زن و مرد در جامعه، روابط آزاد داشته باشند تا حرص شهوت جنسی، کم بشود؛ عملاً معلوم شد که قضیه برعکس است. امروز غربی‌ها خجالت نمی‌کشند و همجنس‌بازی را به‌عنوان یک ارزش مطرح می‌کنند. انسان با کرامت، عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند، اما آن‌ها خجالت نمی‌کشند. نگاه غرب به زن، نگاهی است منحط، ناقص، گمراه‌کننده و غلط. نگاه اسلام نگاهی است عزت‌بخش، رشدآفرین، استقلال‌دهنده؛ این ادعای ماست. ما این ادعا را با محکم‌ترین ادله می‌توانیم اثبات کنیم. (۱۳۸۴/۳/۲۵)</p>	۸



<p>۹- زنان محجبه در تبیین و ترویج حجاب، وظیفه دارند.</p>	<p>می‌گویند ما با این حجاب، احساس آسایش می‌کنیم و این لباس مشارکت ماست. بله؛ کاملاً تعبیر درست و خوبی است. این، دیدگاه کاملاً صحیحی است. این را هر چه بیشتر بیان کنید و بگویید، بهتر است. (۱۳۷۷/۷/۱۸)</p>	<p>۹</p>
<p>-در مقابل زنان بدحجاب باید با روی خوش، مدارا شود؛ چون ظاهر، نمی‌تواند ملاک درست قضاوت باشد.</p> <p>-نهی از منکر در مساله بدحجابی باید با زبان خوش باشد.</p>	<p>پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا... «و سنّه من نبیّه» که ظاهراً عبارت است از «مداراة النَّاس»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهر زننده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هایی که در استقبال امروز بودند... خانم‌هایی بودند که در عرف معمولی به آن‌ها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه! دل، متعلق به این جبهه است، جان، دل‌باخته به این اهداف و آرمان‌هاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است؛ نقص‌های این حقیر، باطن است... با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت. (۱۳۹۱/۲/۱۹)</p>	<p>۱۰</p>
<p>-زن مسلمان، ضمن حفظ حجاب و زنانگی خود، در عرصه‌های علمی و معنوی هم پیشرفت می‌کند.</p>	<p>زنان باسواد، زنان آگاه، زنان با معرفت، در همه این میدان‌ها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند. هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان. (۱۳۷۹/۶/۳۰)</p>	<p>۱۱</p>
<p>-حجاب، مانع رشد و پیشرفت علمی و سیاسی نیست.</p> <p>-افکار مخالف حجاب، نباید در محیط دانشگاه‌ها اجازه نشو و نما پیدا کند.</p>	<p>تبلیغ نکنند که با حفظ حجاب، با حفظ عقّت، با خانه‌داری و باتربیت فرزند، انسان نمی‌تواند کسب علم کند. ما امروز بحمدالله چقدر زنان دانشمند و عالم در رشته‌های مختلف در جامعه‌مان داریم... امروز در جمهوری اسلامی، رشته‌های گوناگون علمی در اختیار خانم‌هاست؛ زن‌هایی که عفاف و عصمت‌شان را هم حفظ کردند، طهارت زنانه را هم حفظ کردند، حجاب را هم -به شکل کامل- حفظ کردند... فعالیت علمی و سیاسی هم می‌کنند...</p> <p>اجازه ندهید به کسانی -اگر خدای نکرده در دانشگاه‌های کشور هستند- که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که این‌ها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان تراز اسلام. (۱۳۷۱/۹/۲۵)</p>	<p>۱۲</p>
<p>-امر به معروف و نهی از منکر در برخورد با بدحجابی باید مبتنی بر رفق و مدارا و محبت باشد.</p>	<p>[در باره مشکل بدحجابی] قاطعیت یعنی چه؟ یعنی برخورد فیزیکی و جسمانی؟ این که درست نیست و ما اصلاً این را توصیه نمی‌کنیم؛ اما گفتن و تذکر دادن، خوب است. چه اشکال دارد با اخلاق خوب تذکر دهند؟ دیروز حدیثی را برای جمعی می‌خواندم که امر به معروف و ناهی از منکر باید خودش به آنچه دارد امر و نهی می‌کند، هم عالم باشد و هم عامل. «رفیق لمن یأمر و رفیق لمن ینهی» با رفق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن - بکن، نکن - غیر از تمنا کردن است؛ اما همین را با رفق، مدارا و محبت - نه با خشونت - انجام دهد. به نظرم این‌طوری باید عمل شود. (۱۳۸۲/۲/۲۲)</p>	<p>۱۳</p>
<p>-زنان ورزشکار باحجاب در میدان‌های ورزشی بین‌المللی، به‌مثابه یک الگو شایسته تجلیل و قدرشناسی هستند.</p>	<p>این مساله بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان می‌روند، خیلی چیز مهمی است. من نمی‌دانم کسانی که درصدد ارزیابی حوادث کشورند، یک ارزیابی درستی از این قضیه دارند یا نه. این، فوق‌العاده است. در کشوری از کشورهای اروپا، یک زنی را به جرم باحجاب بودن، جرأت می‌کنند چاقو می‌زنند و او را می‌کشند؛ آن‌هم در دادگاه و جلوی چشم قاضی!... آن وقت در این فضا، توی این کشورها، یک زن محجبه در موضع قهرمان، بر روی سکوی قهرمانی می‌ایستد و همه را وادار می‌کند به این که او را تکریم و تجلیل کنند... این کار خیلی با عظمت است. واقعاً همه باید قلباً از زنان ورزشکار ما که در میدان‌ها باحجاب، با عفاف، با متانت و باوقار حاضر می‌شوند، تشکر کنند. (۱۳۹۱/۱۲/۲۱)</p>	<p>۱۴</p>



<p>حضرت زینب (س) ثابت کرد که زن در اسلام ضعیفه نیست، الگوست.</p> <p>حجاب و عفاف برای زن مسلمان، عزت‌آفرین است.</p>	<p>این حادثه (حادثه کربلا) نشان داد که زن در حاشیه تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد... انسان، زینب کبری (س) را مشاهده می‌کند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشندگی در عرصه ظاهر می‌شود... زینب (س) نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمی‌شود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه مؤمن، این جور خودش را در شرایط دشوار نشان می‌دهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم... این هشدار به زنان ماست: نقش خودتان را پیدا کنید. عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درک کنید. (۱۳۸۹/۲/۱)</p>	۱۵
<p>در مباحث مربوط به حجاب نباید تحت تأثیر تبلیغات غرب قرار گرفت.</p>	<p>بچه‌هایی که در باب پوشش زن می‌شود، بحث‌های خوبی است؛ منتها باید توجه کنید که هیچ بحثی در این زمینه‌های مربوط به پوشش زن، از هجوم تبلیغاتی غرب متأثر نباشد. (۱۳۷۰/۱۰/۴)</p>	۱۶
<p>برای دستیابی به راهبردی درست درباره مسائل زنان، باید از تبلیغات غرب و تفکرات غربی در این زمینه فاصله گرفت.</p>	<p>باید ذهن‌مان را از حرف‌های کلیشه‌ای فرآورده غربی‌ها به کلی خالی کنیم. غربی‌ها نسبت به مساله زن بد فهمیدند، بد عمل کردند و همان فهم بد و غلط و عمل گمراه‌کننده و مهلک خودشان را به صورت سکه رایج در دنیا مطرح کردند. علیه هرکسی هم که بر ضد نظر آن‌ها حرف بزند، دستگاه تبلیغاتی وسیع آن‌ها هوجی‌گری می‌کند... اگر می‌خواهید درباره مساله زن، راهبرد درست را پیدا کنید و این راهبرد را با اجرائیات و الزامات اساسی آن همراه کنید و در بلندمدت پیش بروید و به نتیجه برسید، باید ذهن‌تان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید. نمی‌گویم بی‌اطلاع بمانیم، نه؛ ما طرفدار بی‌اطلاعی نیستیم، بنده طرفدار آگاهی و آشنایی هستیم، اما مرجعیت آن افکار را به کلی رد کنیم. (۱۳۹۳/۱/۳۰)</p>	۱۷
<p>در مقابل گفتن غربی، گفتن اسلامی در مورد زن را باید با روحیه تهاجم و طلبکارانه مطرح کرد. صداوسیما در ترویج الگوی زن تراز مسلمان و فرهنگ‌سازی برای حجاب باید نقش صددرصدی ایفا کند.</p>	<p>مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانم‌ها آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید می‌کنند که اگر چنین کنید، چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به درک!... گفتن اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. صداوسیما می‌تواند چنان فرهنگ‌سازی‌ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی‌سبیل‌الله، باحجاب... در جامعه محترم و مکرّم باشد؛ دیگران می‌خواهند عکس‌العمل بدهند. بعضی از برنامه‌های صداوسیما متأسفانه در همان جهت خاصّ دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی باید صداوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد. (۱۳۹۲/۱۲/۲۱)</p>	۱۸
<p>حفظ حجاب و حدود دین، مانع فعالیت اجتماعی زنان نیست.</p>	<p>شما با نمایش شخصیت و هویت زن مسلمان ایرانی نشان دادید که در میادین ورزشی نیز یک زن مسلمان می‌تواند با حفظ حجاب و حدود دینی، حضوری مقتدر و عزت‌آفرین داشته باشد. (۱۳۹۲/۸/۲۰)</p>	۱۹
<p>حفظ حجاب، به‌عنوان یک ارزش که به تعالی معنوی به زنان کمک می‌کند، باید در جامعه احیا شود.</p>	<p>باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه ما احیا بشود. مثلاً مساله حجاب، یک مساله ارزشی است. مساله حجاب، مساله‌ای است که اگر چه مقدمه‌ای است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مساله ارزشی است. ما که روی حجاب این‌قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاه‌های بسیار لغزنده‌ای که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.</p>	۲۰
<p>دشمن در مساله حجاب شبهه‌آفرینی می‌کند. -وظیفه دولت در ترویج حجاب، فقط زمینه‌سازی و وظیفه میدانی و تبیینی به</p>	<p>یکی هم مساله دین و بیّنات اسلامی و انقلاب اسلامی است. از توحید و نبوت و امامت و ولایت تا احکام و حجاب و حدود شرعی؛ دائم دارد شبهه‌پراکنی می‌شود. باید حواس‌مان باشد که این‌ها روش دشمن است... نه اینکه همه این کارها را دشمن دارد از خارج می‌کند؛ نه انگیزه‌های داخلی هم وجود دارد، اما دشمن تقویت می‌کند، جهت می‌دهد... دولت در این زمینه وظیفه دارد. وظیفه دولت، زمینه‌سازی است؛ وظیفه عملیاتی و میدانی به عهده</p>	۲۱



<p>عهدده حوزه و دانشگاه است.</p>	<p>روحانیت است، به عهدده زندگان است، به عهدده نخبگان حوزه و دانشگاه است. این وظیفه‌ی میدانی است. (۱۳۸۹/۶/۲۵)</p>	
<p>-دنیای غرب به زن خیانت کرده است. -زنان در جمهوری اسلامی با حجاب توانسته‌اند به مدارج علمی و سیاسی و موقعیت‌های اجتماعی دست یابند.</p>	<p>حالا مؤسسات وابسته به سازمان ملل یا غیر آن‌ها یا فلان مجموعه روزنامه‌نگار بیابند به اسم حقوق بشر، موضوع حجاب و بعضی از این چیزها را زیر سؤال بکشند، این واقعیت قضیه را عوض نمی‌کند. ما از دنیا طلبکاریم، دنیا یعنی دنیای غرب. ما هستیم که به دنیا می‌گوییم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده‌اید... معلوم است که زن، آن بخش زیبایی آفرینش بشر است. این بخش زیبا به‌طور طبیعی با اندکی در پرده بودن همراه است. این پرده را دریدن و آنچه را که باید با نظم و قانون پیگیری شود - آن نیاز غریزی انسانی، چه در زن و چه در مرد- بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه رواج دادن، بزرگ‌ترین خیانتی است که در درجه اول به زن و در درجه بعد به همه بشریت انجام گرفته. امروز در نظام جمهوری اسلامی و زیرپوشش حجاب، زیر چادر، زیر مقنعه، این تعداد عظیم نخبه فکری، علمی، عملی، فعال سیاسی، صاحب‌نظران فرهنگی و هنری داریم. آن روز (دوره پهلوی) بخشی از بخش‌های این مجموعه را هم ما نداشتیم؛ بسیار محدود بودند. (۱۳۸۶/۴/۱۳)</p>	۲۲
<p>-در مساله زن، موضع جمهوری اسلامی تدافعی نیست.</p> <p>-غرب به زن، بزرگ‌ترین اهانت را روا داشته است.</p>	<p>در مساله زن هم موضع شما تدافعی نیست؛ تهاجمی است. آن‌ها اعتراض‌شان به ما این است که چرا زن‌های تان حجاب دارند؛ چرا حجاب اجباری است! خود آن‌ها هم بی‌حجابی را اجباری کردند؛ این به آن در! اما مساله آن‌ها در قضیه زن خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. زن در فرهنگ غربی به ابتدال کشانده شده، تحقیر شده و به او اهانت شده است. این که زن و مرد در پشت میز دیپلماسی و کنار همدیگر، شانه‌به‌شانه بنشینند، جبران آن لطمه‌ای را که غربی‌ها به زن وارد کرده‌اند، نمی‌کند. از زن به‌عنوان یک وسیله التذاذ و شهوت‌رانی استفاده کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که زن بدون آرایش ارزش ندارد؛ باید خودش را آرایش کند تا مردها او را بیسندند؛ این بزرگ‌ترین اهانت به زن است. (۱۳۸۳/۵/۲۵)</p>	۲۳
<p>- ورود به مساله حجاب و دفاع از حقوق زنان باید بی‌توجه به نگرش، خواست و خطمشی غرب در این زمینه باشد.</p>	<p>اگر در کشور ما کسانی نام زن و حقوق زن را از این جهت بیاورند که مجلات غربی یا گزارش‌های غربی یا سیاسیون غربی، ایران اسلامی را متهم کرده‌اند به این که به حقوق زن نمی‌رسد، این غلط است. با این هدف، نباید وارد این میدان شد؛ چون به انحراف و اشتباه خواهد انجامید. اگر ما با این قصد، وارد میدان دفاع از زن شویم که از غربی‌ها عقب نیفتیم، اشتباه خواهیم کرد. اگر به این قصد وارد شویم که آن‌ها به ما نظر بد و منفی نداشته باشند، اشتباه خواهیم کرد. اگر با این توهم، وارد این میدان شویم که خیال کنیم آن‌ها در این زمینه راه صواب پیموده‌اند، به‌شدت اشتباه خواهیم کرد. (۱۳۷۶/۷/۳۰)</p>	۲۴
<p>-بر خلاف تبلیغات غرب، حضور زنان در ایرانی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و علمی گسترده است.</p>	<p>تبلیغات پر حرجم غربی وانمود می‌کنند که با نگاه اسلامی، جلوی رشد و پیشرفت زن گرفته می‌شود؛ این یک دروغ واضح و یک حرف کاملاً مغرضانه است. در کشور ما در هیچ مقطعی از تاریخ این‌همه زن تحصیل کرده نداشتیم؛ این‌همه زن فعال در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، در فعالیت‌های علمی، این‌همه بانوی مؤثر در سرنوشت اجتماعی نداشتیم، این‌همه بانوان دارای فهم سیاسی و تحلیل سیاسی نداشتیم؛ این‌همه نویسنده زن، مترجم زن، هنرمند زن... همه این‌ها از برکت جمهوری اسلامی است و از برکت نگاه اسلام به زن است که نگاه تکریم است. (۱۳۹۹/۱۱/۱۵)</p>	۲۵
<p>-زن ایرانی برخلاف تبلیغات غرب و باوجود حجاب در عرصه‌های مختلف به موفقیت دست یافته است.</p>	<p>غربی‌ها سالهاست که می‌گویند تا زمانی که زن از قیود اخلاقی و شرعی رها نشود، نمی‌تواند به مدارج عالی علمی، سیاسی و اجتماعی برسد، اما زن ایرانی در بیش از چهل سال گذشته توانسته است با حجاب و چادر در میدان‌های مختلف علمی، اجتماعی، ورزشی، سیاسی، مدیریتی، اقتصادی و فرهنگی حاضر شود و به موفقیت‌های بزرگ دست یابد... موفقیت‌های زن مسلمان ایرانی باطل‌کننده تلاش‌های دویست، سیصدساله غربی‌ها بوده و به همین علت آن‌ها از زن ایرانی عصبانی هستند و به بهانه حجاب، اقدام به شبه‌افکنی و فضا سازی می‌کنند... در موضوع حجاب باید بسیار متین و منطقی و به دور از</p>	۲۶



-ورود به مساله حجاب باید منطقی، مستدل و تبیین کننده باشد.	احساسات بی‌مورد، ورود کرد و باید با دلایل روشن، آن منطق استعماری غربی افشا و تبیین شود.(۱۴۰۱/۵/۵)	
- زنان و دختران کم حجاب را نباید به بی‌دینی و ضدانقلابی‌گری متهم کرد.	حجاب یک ضرورت شرعی است و هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد. جای خدشه و شبهه ندارد و یک واجب است که باید رعایت شود. منتها آن کسانی که حجاب را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند را نباید به بی‌دینی و ضدانقلابی متهم کرد. نه! وقتی در سفری از سفرهای شهرستانی در جمع علما گفتم که چرا شما گاهی بعضی‌ها را متهم می‌کنید؟ خانمی که حالا قدری موهایش بیرون است یا به تعبیر رایج بدحجاب است که باید گفت ضعیف الحجاب است. حجابش ضعیف است. چرا متهم می‌کنید؟ بنده وارد این شهر شدم، جمعیت به استقبال آمدند. شاید یک‌سوم جمعیت، حداقل این خانم‌ها هستند؛ اشک می‌ریزند. نمی‌شود گفت این ضدانقلاب است! چه‌طور ضدانقلابی است که این‌طور با شوق و حرارت و با انگیزه در مراسم دینی و انقلابی شرکت می‌کنند. این‌ها دختران خود ما هستند. (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)	۲۷

-تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر:

در این مرحله از تحلیل مضمون، با بررسی دقیق‌تر و دسته‌بندی مضامین پایه بر مبنای محتوا، تلاش می‌کنیم تا به مضمون‌های فراگیر دست‌یابیم که در جدول ذیل، این مضمون‌ها استخراج و مشخص شده است.

جدول شماره ۲: تبدیل مضامین پایه‌ای گفتمان رهبر انقلاب درباره مدیریت حجاب به مضامین

سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	شماره
لزوم تبیین جایگاه حجاب در تعالی و رشد اجتماعی زن مسلمان	امکان دستیابی زن مسلمان به رشد علمی، سیاسی و اجتماعی در کنار حفظ حجاب	- حضور در میدان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و علمی با حفظ حجاب، ممکن است.	۱
		- حجاب زنان، به‌ویژه زنان فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند تبلیغات گسترده برای مبارزه با حجاب را خنثی کند.	۲
		- حجاب، مانع حضور زن در عرصه‌های اجتماعی نیست.	۳
		حجاب، مانع پیشرفت زنان نیست.	۴
		-زن مسلمان، ضمن حفظ حجاب و زنانگی خود، در عرصه علمی و معنوی پیشرفت می‌کند	۵
		- حجاب، مانع رشد و پیشرفت علمی و سیاسی نیست.	۶
		-حفظ حجاب و حدود دین، مانع فعالیت اجتماعی زنان نیست.	۷
		-زنان در جمهوری اسلامی، باحجاب توانسته‌اند به مدارج علمی و سیاسی و موقعیت‌های اجتماعی دست یابند.	۸
		-برخلاف تبلیغات مغرضانه غرب، حضور زنان در جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و علمی گسترده است.	۹



		۱۰	زن ایرانی با وجود حجاب در عرصه‌های مختلف به موفقیت دست یافته است.
		۱۱	-برخلاف تبلیغات غرب، حجاب، اسارت زن نیست، بلکه مایه وقار و ارزش و عزت زن است.
		۱۲	نگاه اسلام به هویت زن، عزت‌بخش، رشدآفرین و استقلال دهنده است.
		۱۳	حجاب، مایه تکریم شخصیت زن و بی‌حجابی، پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است.
	تبیین حجاب	۱۴	حجاب وسیله مصونیت است، نه محدودیت.
	مبتنی بر نگاه	۱۵	حجاب، به‌عنوان یک ارزش که به تعالی معنوی زنان کمک می‌کند، باید در جامعه احیا شود.
	عزت آفرین و	۱۶	حجاب و عفاف برای زن مسلمان، عزت‌آفرین است.
	ارزش بخش		
	اسلام به زن		
		۱۷	برداشتن حجاب در جامعه اسلامی برای توقف در حرکت ملت به‌سوی پیشرفت بود.
		۱۸	آثار منفی بدحجابی برای جامعه و سیاست و اخلاق، ماندگار است.
	مراقبت از	۱۹	دشمنان با صرف هزینه‌های هنگفت و فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده برای اثرگذاری بر هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان و برداشتن حجاب زنان تلاش می‌کنند.
	توطئه دشمن		
	در مساله		
	بدحجابی	۲۰	دشمن در مساله حجاب شبهه‌آفرینی می‌کند.
		۲۱	کار تبلیغاتی در ترویج حجاب باید مبتنی بر تحقیق و تفکر باشد.
		۲۲	زنان محببه در تبیین و ترویج حجاب، وظیفه دارند.
		۲۳	صداوسیما در ترویج الگوی زن مسلمان و فرهنگ‌سازی حجاب نقش صددرصدی ایفا کند.
		۲۴	ناآشنایی با مفهوم و فلسفه حجاب، سبب حجاب‌گریزی می‌شود
	تبیین فکری	۲۵	حکومت اسلامی مکلف است از حرام‌های آشکار در جامعه جلوگیری کند و مقابل گناه در عرصه عمومی بایستد.
	و فرهنگی،	۲۶	افکار مخالف حجاب، نباید در محیط دانشگاه‌ها اجازه نشو و نما پیدا کند.
	تکلیف اصلی		
	حکومت		
	اسلامی در		
	مدیریت	۲۷	وظیفه دولت در ترویج دین و حدود شرعی همچون حجاب، فقط زمینه‌سازی و وظیفه میدانی و تبیینی به عهده حوزه و دانشگاه است.
	حجاب		
	ضرورت		
	فرهنگ‌سازی		
	دستگاه‌های		



	دولتی در مسأله حجاب		
نهی از منکر بر مبنای مدارا و منطق	-لزوم مدارا در برخورد با بدحجابی -ضرورت برخورد منطقی و مستدل با مسأله بدحجابی	۲۸	بهترین راه ترویج حجاب، برخورد مبتنی بر استدلال و منطق است.
		۲۹	امربه معروف و نهی از منکر در برخورد با بدحجابی باید مبتنی بر رفق و مدارا و محبت باشد.
		۳۰	زنان و دختران کم حجاب را نباید به بی‌دینی و ضدانقلابی‌گری متهم کرد.
		۳۱	در مقابل زنان بدحجاب با روی خوش، مدارا شود؛ چون ظاهر، ملاک درست قضاوت نیست.
		۳۲	ورود به مسأله حجاب باید منطقی، مستدل و تبیین‌کننده باشد.
		۳۳	نهی از منکر در مسأله بدحجابی باید با زبان خوش باشد.
نفی انفعال در مقابل هجوم تبلیغاتی غرب	-تأکید بر اجتناب از مرعوب شدن در مقابل غرب در مسأله حجاب و هویت زن -طرح گفتمان اسلامی درباره حجاب و حقوق زن باروحیه تهاجمی	۳۴	ورود به مسأله حجاب و دفاع از حقوق زنان باید بی‌توجه به نگرش غرب در این زمینه باشد.
		۳۵	برای دستیابی به راهبردی درست درباره مسائل زنان، باید از تبلیغات و تفکرات غربی در این زمینه فاصله گرفت.
		۳۶	در مباحث مربوط به مسأله حجاب نباید تحت تأثیر تبلیغات غرب قرار گرفت.
		۳۷	در مقابل گفتمان غرب، گفتمان اسلام در مورد زن را باید با روحیه طلبکارانه مطرح کرد.
		۳۸	در مسأله زن، موضع جمهوری اسلامی تدافعی نیست.
		۳۹	دنیای غرب به زن خیانت کرده است.
		۴۰	غرب به زن، بزرگ‌ترین اهانت را روا داشته است.
		۴۱	نگاه اسلام به زن، نقطه مقابل نگاه فرهنگ غرب است.
		۴۲	بی‌بندوباری و روابط آزاد در غرب، مانع کاهش امیال شهوانی نشده است.
		الگوسازی	ارائه الگو از زنان موفق مسلمان
۴۴	زنان باحجاب در میدان‌های ورزشی بین‌المللی، به‌مثابه یک الگو شایسته تجلیل هستند.		
۴۵	صداوسیما در ترویج الگوی زن مسلمان و فرهنگ‌سازی حجاب نقش صددرصدی ایفا کند.		

بر اساس تحلیل مضمون شبکه‌ای دیدگاه‌های رهبر انقلاب درباره مدیریت مسأله حجاب، گفتمان ایشان، حاوی راهبردها و راهکارهایی است که با شاخص‌هایی همچون «لزوم تبیین جایگاه حجاب در تعالی و رشد اجتماعی زنان»، «توجه به فرهنگ‌سازی به‌عنوان وظیفه



اصلی حکومت اسلامی»، «الگوسازی»، «نفی انفعال در مقابل هجوم تبلیغاتی غرب»، «تهی از منکر مبتنی بر مدارا و منطق»، «مراقبت از توطئه دشمن در مسأله حجاب» و «تبیین فکری و فرهنگی در مدیریت حجاب» مفصل‌بندی شده و یک برساخته معنایی را تولید کرده است. شناسایی این شاخص‌ها در منظومه گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای، نشانگر رویکرد ایشان به تثبیت نظام معنایی منطبق با الگوی فکری حکومت اسلامی، حفظ انسجام هویتی جامعه اسلامی، تداوم شاکله آرمان‌های انقلابی در حوزه فرهنگی به‌طور اعم و در مسأله حجاب به‌طور اخص و در نتیجه حفظ هژمونی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی است. در ذیل، الگوی تصویری از تارنمای شبکه‌ای مضامین گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای درباره مدیریت حجاب ترسیم‌شده است.

مدل شماره ۱: شبکه مضمونی گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای درباره مدیریت حجاب



۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های پیشین انجام‌شده در موضوع حجاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، عمدتاً به توصیف و تحلیل نگاه فقهی رهبری انقلاب به مسأله حجاب پرداخته‌اند و راهبردهای موردنظر معظم‌له برای مدیریت اجتماعی مسأله حجاب در این پژوهش‌ها موردتوجه قرار نگرفته است. همچنین پیوند مسأله حجاب و هژمونی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در پژوهش‌های متقدم، مسبوق به سابقه نیست. این در حالی است که در این پژوهش، تلاش شد ضمن مطالعه نگرش‌های مختلف فقهی به مسأله حجاب و نیز بررسی پیوندهای آن با تحلیل مضامین مجموعه سخنان و مواضع رهبر انقلاب در این‌باره، راهکارها و راهبردهای مدیریتی در این موضوع از منظر ایشان، استخراج شود. این موضوع از آن‌رو واجد اهمیت است که مسأله حجاب، در دوره‌های مختلف پس از انقلاب، به طرق گوناگون، محل مناقشه نخبگان حکومتی و غیرحکومتی و گاه، بستر اعتراض‌های اجتماعی بوده است. از سوی دیگر، نظام سیاسی نیز در هر دوره، به تناسب رویکرد دولت‌ها، سیاست‌های متفاوت و گاه متناقضی را در قبال این مسأله در پیش گرفته که این تفاوت و تناقض و حتی در موارد غیراصولی بودن سیاست‌ها، بر چالش‌زایی مسأله حجاب افزوده است.

همچنین در دهه اخیر، رسانه‌های ارتباطی نوین، در تبدیل مسأله حجاب به عاملی برای ایجاد و تعمیق گسل‌های سیاسی، اجتماعی میان حاکمیت با گروه‌هایی از مردم به‌ویژه نسل جوان، نقش مؤثری را ایفا کرده و به ظهور هویت‌خواهی‌های نوین در میان نسل جوان و حتی نفی حجاب دامن زده و هژمونی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را در معرض چالش قرار داده‌اند. هژمونی، قدرت نرم را جایگزین جبر و قهر می‌کند، با جلب رضایت، به کاربرد زور مشروعیت می‌بخشد، بر قامت قدرت، قبای اقتدار می‌پوشاند و مانع از درافتادن یک گفتمان به دام خشونت می‌شود. موفقیت نظام‌های سیاسی برای تثبیت هژمونی، به توان آن‌ها برای تولید معنا بستگی دارد و مهم‌ترین حلقه در این زنجیره، خلق آگاهی بدون توسل به زور، برای دستیابی به اجماع است.

رهبران انقلاب در دهه‌های گذشته در فرایند تولید معنا، با برجسته‌کردن صورت ایده‌آلی هویت اسلامی و ایجاد زنجیره هم‌ارزی از نشانه‌های فرهنگ دینی و ملی، نیروهای اجتماعی را در برابر نظام جهانی به رهبری غرب، منسجم و هژمونی ایدئولوژیک نظام را تثبیت کرده‌اند. در این میان، حجاب زنان، به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم این هژمونی، کانون منازعات گفتمانی بوده است. در سال‌های نخست استقرار جمهوری اسلامی، تأکید بنیان‌گذار انقلاب بر اجرای عمومی حکم حجاب به‌عنوان واجب شرعی و مسئولیت حکومت در قبال آن، تبدیل



حجاب و بی‌حجابی به نمادهای انقلابی‌گری و طاغوت، همراهی اکثریت جامعه توده‌ای با خواست رهبری انقلاب در مسأله حجاب، وقوع جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر تقویت ارزش‌های انقلابی و به حاشیه رفتن مطالبات اقلیت غیرانقلابی، سبب شد تا ایدئولوژی جمهوری اسلامی درباره حجاب، هژمون شود. بررسی وضع حجاب در دهه‌های بعد، از افزایش چالش‌های گفتمانی و اجتماعی در این باب و نیز تطور معنایی حجاب شرعی به حجاب عرفی حکایت دارد؛ اما به روایت تاریخ، نظام سیاسی در مدیریت این منازعات، توفیق چندانی نداشته و با فقدان سیاست‌گذاری واحد و حرکت به سمت مواجهه انتظامی، حجاب را هر چه بیشتر از نظم گفتمانی دینی خارج و به نظم گفتمانی سیاسی و امنیتی وارد کرده است. امروز با گذشت چهار دهه از انقلاب، بسیاری از صاحب‌نظران در تریبون‌های رسمی، مدیریت حجاب را تجربه‌ای ناموفق دانسته و خواهان بازنگری در این زمینه هستند؛ هرچند هم‌زمان، گروهی افزایش کنترل‌های انتظامی و تشدید سیاست‌های مقابله با بدحجابی را خواستارند. باین حال، این نگرانی جدی وجود دارد که برخوردهای سلبی و امنیتی در سامان‌بخشی به وضع حجاب، مردم به‌خصوص نسل جوان را دین‌گریز و به‌تبع، بنیان‌های هژمونی ایدئولوژیک نظام را سست کند. از سوی دیگر، حاکمیت نگاه سکولار و رها کردن مسأله پوشش از سوی حکومت نیز به تضعیف هژمونی ایدئولوژیک نظام منجر خواهد شد.

این پژوهش نشان داد مواضع رهبر انقلاب به‌عنوان ولی‌فقیه و عالی‌ترین مقام نظام، درباره مدیریت مسأله حجاب، با شش شاخص «تبیین فکری و فرهنگی»، «مراقبت از توطئه دشمن»، «نفی انفعال در مقابل هجوم تبلیغاتی غرب»، «لزوم تبیین جایگاه حجاب در تعالی اجتماعی زنان»، «الگوسازی» و «نهی از منکر بر مبنای مدارا و منطق» ذیل گفتمانی واحد و عمدتاً مبتنی بر رویکردی فرهنگی، تبلیغی مطرح شده است. این در حالی است که نگاه فرهنگی و تبیینی به مسأله حجاب، در عمل، حلقه مفقوده سیاست‌های حاکمیتی است، اگرچه در مقام سخن و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، این رویکرد جایگاه مستوفایی دارد. بر این اساس، عملیاتی کردن نگاه رهبر انقلاب در مدیریت مسأله حجاب، می‌تواند افراط و تفریط‌ها را در این موضوع، سامان بخشد و مسیری کم‌هزینه‌تر را پیش پای نظام بگذارد که حرکت در آن به تداوم هژمونی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی کمک کند.

۵-۲- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با طرح نگرش‌های فقهی به موضوع حجاب، در دو گفتمان سنت‌گرایی و نواندیشی، دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای را ذیل گفتمان نوسنت‌گرایی مطرح کردیم؛ گفتمانی که بر اساس آرای عموم فقها، با اعتقاد به وجوب حجاب، حضور اجتماعی زنان را



مشروط به رعایت آن می‌پذیرد و حکومت اسلامی را در قبال ترویج و حفظ حجاب در جامعه، مسئول می‌داند.

بازنمایی گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای درباره مدیریت مسأله حجاب، از غلبه رویکرد فرهنگی، تبلیغی بر نگرش ایشان حکایت دارد. تحلیل مضامین شبکه‌ای دیدگاه‌های رهبر انقلاب در این باره نشان داد که آیت‌الله خامنه‌ای همواره ضمن تأکید بر حفظ فاصله با غرب در مسأله پوشش و هویت زنانه و مرعوب نشدن در مقابل این نگاه، تجربه تاریخی جمهوری اسلامی را در سازگاری میان حفظ حجاب و رشد سیاسی، اجتماعی و علمی زنان، مصداق آشکار نگاه عزت‌آفرین اسلام به جنس زن می‌دانند. بر این اساس، نوع نگاه غرب به زن، عنصری تثبیت‌شده در فرایند شکل‌گیری گفتمان ایشان است. به عبارت دیگر، این گفتمان با تکیه بر عناصر هویت‌بخش دینی، بومی و انقلابی، «زن تراز جمهوری اسلامی» را ترسیم و با «فرهنگ غربی» مرزبندی کرده است.

از سوی دیگر، تبلیغ مبتنی بر دانش، فرهنگ‌سازی و بهره‌گیری از توان دستگاه‌های اجرایی در این حوزه، اولویت‌بخشی به آگاهی‌بخشی، مقابله فرهنگی با توطئه رسانه‌های معاند در تضعیف باورهای دینی و اعتقاد مردم به حجاب و درعین حال برخورد مبتنی بر منطق و مدارا با افراد بدحجاب و جدا کردن حساب آنان از ضدانقلاب از مضامین مهم گفتمان رهبر انقلاب در مدیریت مسأله حجاب است. توجه به این شاخص‌ها در مدیریت این مسأله که همانا بازاندیشی در بسیاری از مسیرهای رفته و تقویت بنیه‌های فرهنگی و هویتی بر مبنای مدارا، خردورزی و منطق است، می‌تواند گره از کار فروبسته این چالش فرهنگی بگشاید و به تداوم هژمونی ایدئولوژیک نظام یاری رساند؛ رویکردی که در سیاست‌گذاری‌ها، عمدتاً در حد برنامه‌هایی روی کاغذ، مانده است.

۵-۳- پیشنهادها

با توجه به یافته‌های این مقاله، پیشنهادهای زیر در حوزه سیاست‌گذاری در خصوص حجاب ارائه می‌شود:

الف: بازاندیشی در سیاست‌های منتهی به مدیریت مسأله حجاب و تقویت رویکرد فرهنگی در این بخش

ب: توجه به ابزار هنر در نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف و تنوع‌بخشی به پوشش اسلامی متناسب با سلیقه نسل جوان

ج: پرهیز از فعالیت‌های کلیشه‌ای در مسأله حجاب و بهره‌گیری از راهبردهای نو متناسب با نیازها و مطالبات نسل جوان

د: غنابخشی و روزآمدسازی محتواهای آموزشی مرتبط با مسأله حجاب به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش

ه: گسترش فعالیت‌های فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱) آبیاری، زهرا؛ کرمی‌پور، الله‌کرم؛ شریفی، سعید (۱۳۹۹). «چالش‌های نظری حجاب در ایران پس‌انقلاب؛ تحلیلی بر رویکردهای موجود از عفاف و حجاب»، **دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی**، شماره ۲۳، ۲۳۸-۲۱۷.
- ۲) احمدپور، علی؛ رضایی‌شریف، علی (۱۴۰۱). «بررسی رابطه باورهای دینی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر التزام به حجاب اسلامی-مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی»، **فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی**، شماره ۴، ۱۸-۵.
- ۳) ارحامی، آسیه (۱۳۹۰). «گزارش ارزیابی راهبردهای عفاف و حجاب»، **مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**، ۲۲-۱.
- ۴) ارحامی، آسیه؛ کلهر، سینا (۱۳۹۴). «گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب»، **مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی**، دوره ۹، ۲۲-۱.
- ۵) امامی، سیدمجید (۱۳۹۲). «چارچوبی انتقادی برای سیاست پژوهی مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران؛ منطبق بر نظریه و الگوی عرفی شدن جامعه ایران»، **فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی**، شماره ۱، ۱۳۵-۱۱۵.
- ۶) ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). «نقد و بررسی ادله فقهی الزام حجاب در حکومت دینی»، **فصلنامه فقه**، شماره ۱، ۲۳۳-۱۸۷.
- ۷) بهرامیان، امید؛ یاقوتی، هدا (۱۳۹۵). «رابطه استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و پای‌بندی به هویت فرهنگی در شهر تهران»، **فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان**، شماره ۴۶، ۲۱۶-۱۸۷.
- ۸) جاوید، محمدجواد؛ شاه‌مرادی، عصمت (۱۳۹۶). «جمهوری اسلامی و مسأله بدحجاب»، **فصلنامه زن در فرهنگ و هنر**، شماره ۱، ۱۶۴-۱۳۹.
- ۹) جعفریان، رسول (۱۳۸۰). «مسأله حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم امین مصری در ایران»، **دوماهنامه آیین پژوهش**، شماره ۷۰، ۷۰-۶۵.
- ۱۰) حسن‌پور، علی؛ نظری، علی‌اشرف؛ ابطحی، سیدمصطفی (۱۳۹۷). «روحانیت، فرایندهای هویت بخشی و هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی**، شماره ۲۶، ۹۵-۱۲۲.
- ۱۱) حق‌شناس، سید جعفر (۱۳۸۶). «حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات»، **فصلنامه کتاب زنان**، شماره ۳۶، ۸۸-۵۱.



- ۱۲) خوشخویی، منصور؛ یوسفزاده، محمدرضا؛ آذریون، پریسا (۱۳۹۲). «بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب»، **دوفصلنامه دین و ارتباطات**، شماره ۱، ۴۳-۶۵.
- ۱۳) دهقانی، علیرضا (۱۴۰۱). «اجبار به حجاب در فقه شیعه بر اساس آرا ۴۱ نفر از مراجع تقلید معاصر»، **گروه بررسی‌های راهبردی میراث**، ۱-۱۱۴.
- ۱۴) راثی تهرانی، حبیب (۱۳۸۸). «نظریه هژمونی»، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، شماره ۱۶، ۱۰۸-۹۹.
- ۱۵) ربانی خوراسگانی، علی؛ میرزایی، محمد (۱۳۹۳). «ایدئولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان»، **غرب‌شناسی بنیادی**، شماره ۱، ۲۳-۴۶.
- ۱۶) رستگار خالد، امیر؛ محمدی، میثم؛ نقی پور ایوکی، سحر (۱۳۹۱). «کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره»، **فصلنامه مطالعات راهبردی زنان**، شماره ۵۶، ۷-۸۲.
- ۱۷) زاهد، سید سعید؛ کاوه، مهدی (۱۳۹۱). «گفتمان‌های پوشش ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، شماره ۴، ۴۹-۷۴.
- ۱۸) عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، **اندیشه مدیریت راهبردی**، شماره ۲، ۱۹۸-۱۵۱.
- ۱۹) کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵). «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوبی مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، **پژوهش سیاست نظری**، شماره ۲، ۱-۲۷.
- ۲۰) کرمی قهی، محمدتقی؛ خزایی، طاهره (بی‌تا). «سیاست‌گذاری در حوزه عفاف و حجاب»، **مرکز مطالعه و برنامه‌ریزی شهر تهران**، گزارش شماره ۲۱۹.
- ۲۱) گروه نویسندگان (۱۴۰۱). «آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱»، **گزارش گروه بررسی‌های راهبردی میراث**، ۱-۴۵.
- ۲۲) محسنی‌ابوالخیری، علیرضا؛ حاضری، علی محمد (۱۳۹۸). «تحلیلی بر منازعات گفتمانی حجاب در دوره جمهوری اسلامی (۱۳۶۰-۱۳۹۲)»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۱۹، ۱۰۴-۸۳.
- ۲۳) محمدوندگلوچه، نازنین؛ هادی پیکانی، مهربان (۱۳۹۶). «تحلیل سیاست‌های فرهنگی عفاف و حجاب در جمهوری اسلامی ایران»، **مجموعه مقالات همایش ملی نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب**، ۲۸۶-۳۰۲.
- ۲۴) محلاتی، محمدسروش (۱۳۹۷-۸). «بازشناسی ماهیت حکم حجاب»، **دوفصلنامه مطالعات فقه معاصر**، شماره ۶ و ۷، ۵۱-۷۹.



- ۲۵) مرادخانی، همایون (۱۳۹۵). «اراده به اداره کردن، حجاب و ابژه‌های آن پس از انقلاب اسلامی»، **جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۱ و ۲، ۱۹۱-۱۶۷.
- ۲۶) (۱۳۹۶). «رویه‌های به‌گفتمان درآوردن نحوه پوشش زنان پس از انقلاب اسلامی»، **مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره ۱، ۲۹۳-۱۷۱.
- ۲۷) مرندی، سیدعلی (۱۴۰۰). «بایسته‌های سیاست‌گذاری در باب حجاب در جمهوری اسلامی ایران»، **ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی**، شماره ۱۱، ۷۶-۶۷.
- ۲۸) مهدی‌پور، ملیحه؛ داودی، علی‌اصغر؛ راهبر، اهورا (۱۴۰۰). «سویه‌های جنسیتی منازعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی**، شماره ۴، ۶۵-۴۲.
- ۲۹) میانوند، محمدقلی؛ مشکواتی، سیمین (۱۳۹۸). «ارتباطات سیاسی و کانترهژمونیک: بازنمایی خود و دیگری در گفتمان شبکه خبری پرس تی وی»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، شماره ۱۹، ۲۶۰-۲۲۷.
- ۳۰) نعمتی‌فر، نصرت‌الله؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام)»، **دوفصلنامه دین و ارتباطات**، شماره ۱، ۳۶۲-۳۳۵.
- ۳۱) وحدانی‌فر، هادی؛ حسینی، زکیه‌بیگم (۱۴۰۰). «تحلیلی بر فرهنگ حجاب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، **دوفصلنامه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین**، شماره ۱۳، ۳۹-۱۱.

کتاب‌ها

- ۱) استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه**، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران: گام نو.
- ۲) امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). **صحیفه امام** (۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳) برتنس، یوهانس وایلم (۱۳۹۶). **نظریه ادبی**، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: علم.
- ۴) بشیریه، حسین (۱۳۹۴). **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، تهران: نگاه معاصر.
- ۶) دباغ، سروش (۱۳۹۶). **حجاب در ترازوی اخلاق**، لندن: اچ اس ماندیا.
- ۷) راش، مایکل (۱۳۹۳). **جامعه و سیاست**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ۸) ریکور، پل (۱۳۹۸). **ایدئولوژی، اخلاق، سیاست**، ترجمه مجید اخگر، تهران: چشمه.
- ۹) ساوینی، هدر (۱۳۹۹). **مقدمه‌ای انتقادی بر ارتباطات سیاسی**، ترجمه بهجت عباسی، تهران: مؤسسه ایران.
- ۱۱) غلامی، علی (۱۳۹۱). **مسئله حجاب در جمهوری اسلامی؛ بررسی حقوقی، جامعه‌شناختی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۲) کلهر، سینا (۱۳۹۶). **مدیریت حجاب در جمهوری اسلامی**، اصفهان: آرما.



- ۱۳) لاکلاو، ارنستو؛ موف، شننال (۱۳۹۲)، **هژمونی و استراتژی سوسیالیستی؛ به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال**، ترجمه محمدرضایی، تهران: ثالث.
- ۱۴) محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، **روش تحقیق کیفی ضد روش: (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)**، جلد ۲، تهران: جامعه‌شناسان.
- ۱۵) مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). **مسأله حجاب**، تهران: صدرا.

منابع اینترنتی

- ۱) خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات. <https://khamenei.ir>
- ۲) مجتهد شیستری، محمد، نقد و پاسخ. <http://mohammadmojtahedshabestari.com>
- ۳) روزنامه اطلاعات. <https://www.ketabettelaat.com/book>

۶-۱- منابع لاتین

Articles

- 1) Attridge-Stirling, Jenifer(2001). Thematic Networks:an analytic tool for qualitative Research, **Qualitative Research**. Volume 1, Issue 3, 385-405.
- 2) Carter, David, Molisa, pala. (2005), Accounting Harmony, Neo GramscianDisharmony: A New Zealand Perspective, **Working Paper**, Volume 37,1-43. Retrieved from <https://ijabs.ub.ac.id/index.php/ijabs/article/view/504/pdf>
- 3) Flynn, Susan. (2021). Revisiting hegemony: A Gramscian analysis for contemporary social work, **Irish Journal of Sociology**,Volume 29, Issue 1,77-96. Retrieved from <https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/0791603519884201>
- 4) Thomas, R. Bates. (1975). Gramsci and the Theory of Hegemony, **Journal of the History of Ideas**, Volume 36, Issue 2,351-366. Retrieved from <https://www.jstor.org/stable/2708933>

Books

- 1) Foucault, Michel. (1972). **Archaeology of Knowledge**, Newyork: Pantheon Books. Retrieved from https://monoskop.org/images/9/90/Foucault_Michel_Archaeology_of_Knowledge.pdf
- 2) Given,L.M(2008), **The sage encyclopedia of qualitative research methods**, Sage, Volume 1&2. Retrieved from <https://www.yanchukvladimir.com/>
- 3) Mannheim, Karl. (2002). **Ideology and Utopia**, London: Routledge and Kegan Paul. Retrieved from https://edisciplinas.usp.br/pluginfile.php/4621877/mod_resource/content/1/MANNHEIM

